



مسجد شيخ لطف الله





مسجد شیخ لطف الله

گنبد مسجد گوهرشاد

عکس‌هایی از تزیینات

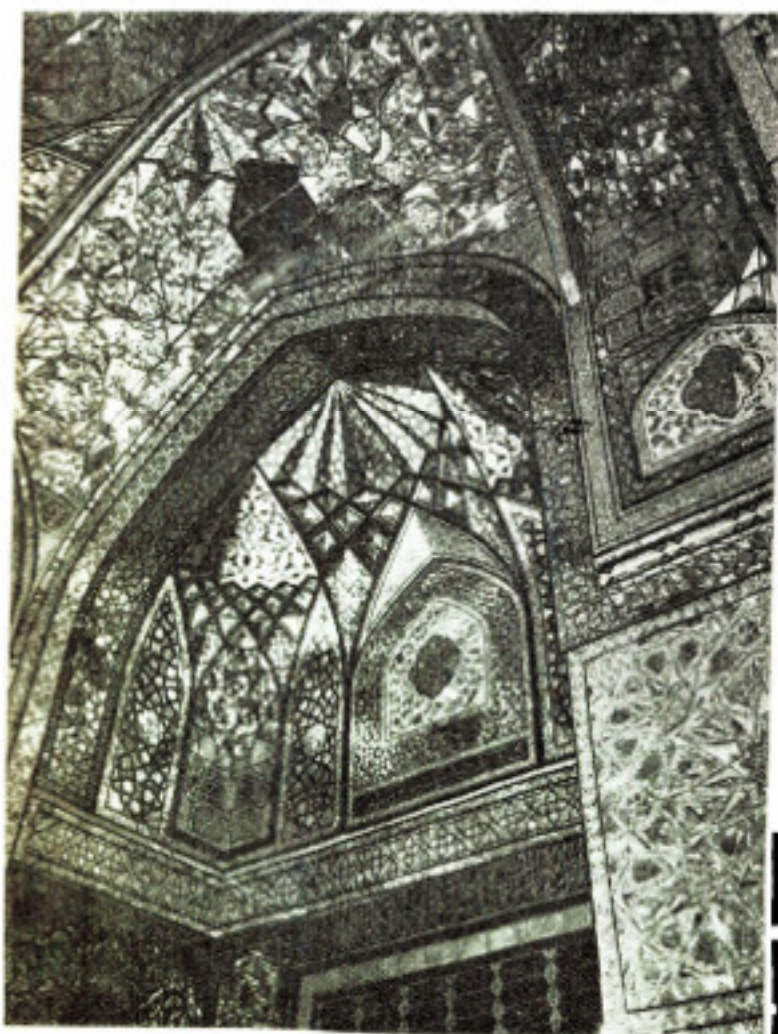
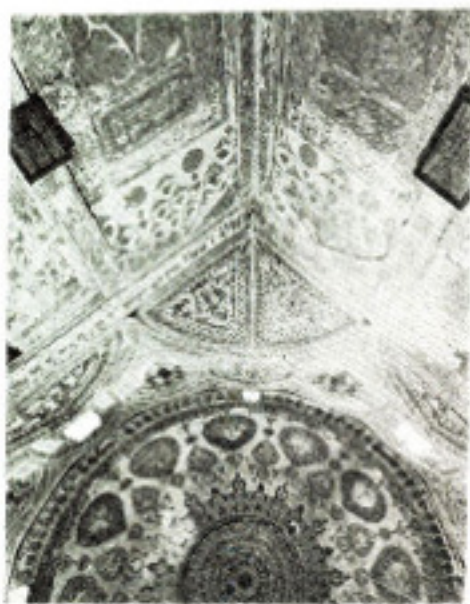
عکس‌هایی از تزیینات



الله

۵۰۰ سال معماری در ایران

الله



نمونه‌هایی از گچ‌بری همراه با نقاشی





تزیینات داخلی زیر گنبد همراه با نقاشی

هندو معماری



سلطانیه

سلطانیہ

سلطانیہ

سلطانیہ

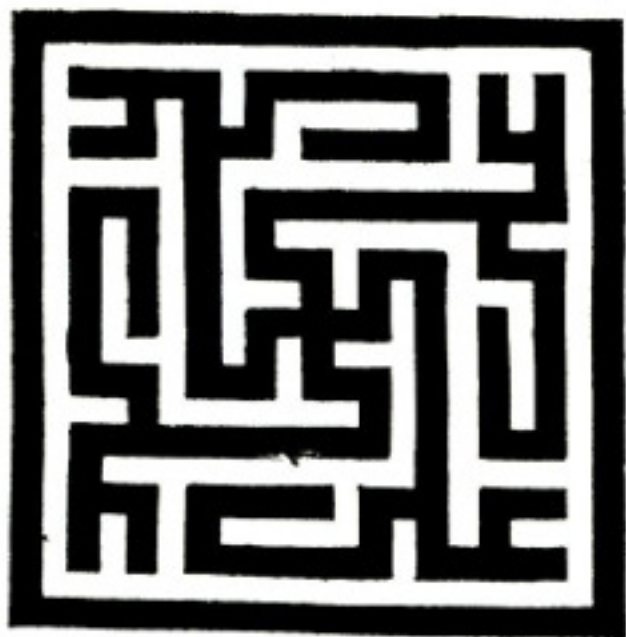
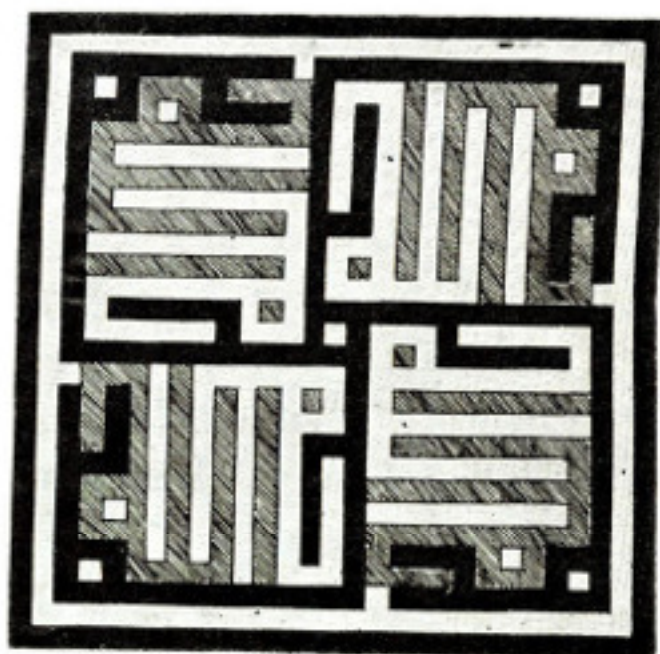
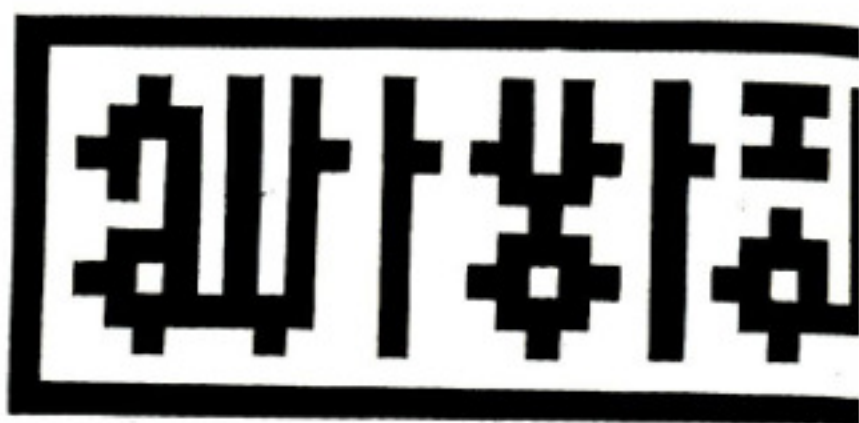
سلطانیہ

سلطانیہ

سلطانیہ

مذہب معاری

۱۱۵۱۰



آهنر در خط

نوشته‌های مصور در تزئین بناهای معماری ایران

سلطانی

معماری

نقشه

۱۱ و ۱۰

شریفایی اعضاء هیئت مدیره انجمن ارشیتهای ایران

در کانون مهندسين ايران
کانون مهندسين ايران سي امين سال
خود را جشن گرفت . در اين جشن که در
هتل ونک برگزار شد مهندسان کشور و
میهنمانان مورد استقبال آقای مهندس شریف
امامی رئيس کانون و آقای مهندس رياضي
رئيس مجلس شوراي ملی قرار گرفتند .
آقای مهندس شريف امامی در نطقی که
باين مناسبت ایراد کرد گفت : دوام کانون
در اين ۳۰ سال مرهون حسن تفاهم و همکاری
کامل يکايک اعضاء آن بوده است و بدنبال
سخنان خود اضافه نمود که اعضاء کانون در
اجرای طرحهای عمرانی کشور سهم قابل
ملاحظه ای داشته اند که اين امر برای جامعه
مهندسان کمال سربلندیست .
نمایشگاهها

نمایشگاه عکس رنگی ايران باستان
و گوشه ای از تحولات دوران انقلاب در سالن
موزه جديد ايران باستان گشایش یافت .
در سالن نوپياد ايران باستان نمایشگاه
نقاشی دورنمای هنر معاصر فرانسه افتتاح شد.
در گالری سپید بمناسبت چهارمین
جشن فرهنگ و هنر نمایشگاهی از آثار نقاشان
جوان : هما پشائی ، صدیقه حسینی ،
نسرین کرباسی و جواد غفوری به نمایش
درآمد .

نمایشگاهی از آثار نقاشی ثمیلا امیر
ابراهیمی در خانه آفتاب گشایش یافت .
چند قبل بوسیله اداره فرهنگ و هنر
نمایشگاهی از کارهای نقاشی و مجسمه
(هنری مور) در شیراز به معرض تماشا
درآمد .

آثار نقاشان جوان : مهران - مؤید
و عباس دریسی در شیراز افتتاح شد .
در نمایشگاه بین المللی ایران از
پیشرفت استانهای کشور نمایشگاهی ترتیب
یافت که مورد بازدید علاقمندان قرار گرفت.

علیاحضرت شهبانوی ايران در ساعت
هفده و ۴۰ دقیقه روز ۲۶ ر ۸۰ از ۵۰ اعضاء
هیئت مدیره انجمن ارشیتهای ايران را
بحضور پذیرفتند . در اين شریفایی آقای
هوشنگ سیحون گزارش اقدامات و فعالیت های
یک ساله انجمن ارشیتهای ايران را به عرض
رسانید و آنگاه علیاحضرت ضمن بیاناتی
فرمودند: ايران اکنون از نظر پیشرفت دوران
مهمی را میگذراند ما که در حال نوسازی
هستیم باید مسئله معماری دوران خود پا در
نظر گرفتن معماری سنتی ايران توجه کافی
داشته باشیم و وظیفه تشکیلاتی مثل انجمن
آرشیتهای ايران است که معماری سنتی
ايران را دقیقاً مورد مطالعه قرار دهد و
کشی در این باره بچاپ برساند تا برای
آرشیتهای جوان روشن شود که منظور ما
از معماری سنتی چیست و چگونه شرایط
اقلیمی و محیط انسانی و مائلی نظیر آن در
معماری سنتی ما مؤثر بوده و هست .

علیا حضرت شهبانو فرمودند : دوران
ما دوره ایست که باید برای رسیدگی به
هدفهای مملکتی لحظه ای از پای نایستد و
آنچه مهم است نتایجی است که ما از کوشش
های خود برای آینده مملکت بدست میآوریم.
شریفایی اعضاء هیئت مدیره انجمن
آرشیتهای ايران در ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه
پایان رسید .

ساختمان موزه هنرهای مدرن شیراز
علیا حضرت شهبانو فرح کلنگ ساختمان
موزه هنرهای مدرن شیراز را که در بالای
یکی از تپه های مشرف بشهر واقع شده بزمین
زدند . بابتکار علیاحضرت شهبانو طرح
بنای این موزه را « آلوآلتو » آرشیتهک
معروف بین المللی تهیه کرده است .



نخستین سمپوزیوم معماری و شهرسازی

۱۳۵۰ دی ماه ۲۷

گزارش مختصری از سمپوزیوم معماری و شهرسازی (مسکن)

در اجرای توصیه اولین کنگره معماری ایران که در شهریور ماه سال ۱۳۴۹ در اصفهان برگزار گردید اولین سمپوزیوم معماری و شهرسازی صبح روز شنبه چهارم دیماه ۱۳۵۰ با سخنان آقای آموزگار وزیر آبادانی و مسکن در هتل اینترکنینال تهران افتتاح گردید. آقای وزیر آبادانی و مسکن در نطق افتتاحیه خود ضمن تاکید اهمیت مسئله مسکن خاطر نشان ساخت که بعثت بی توجهی بامر مسکن در گذشته نابسامانیهای فراوانی در شهرها ایجاد گردیده است بنابراین باید باین نکته مهم توجه کامل داشته باشیم که انطباق طرحها و برنامه های مسکن و خانه سازی با محیط و شرایط اقلیمی، نوع مصالح ساختمانی و سبک معماری برای کشور کاملاً ضروری است و اگر امروز بفکر حل این مسئله نباشیم در آینده بامشکلات بیشتری مواجه خواهیم بود.

ایشان اضافه نمودند که وزارت آبادانی و مسکن و مؤسسات تابعه آن که در امر تهیه مسکن فعالیت دارند باید با احساس مسئولیت و وظائف خطیر خود را بنحو احسن انجام دهند. وزارت آبادانی و مسکن برای روشن شدن وظائف و تفکیک مسئولیتها و همچنین جلوگیری از بی نظمی در گسترش شهرها و حفظ اصالت معماری و بافت شهری و تطبیق شرایط اقلیمی، طرحهای تهیه مسکن قوانینی نظیر قانون نظام معماری و ساختمانی و طرح قانونی تأسیس شورایی عالی شهرسازی و معماری تهیه و تدوین نموده است که بزودی پس از تأیید هیات وزیران برای تصویب قوه مقننه تقدیم خواهد شد.

آقای وزیر آبادانی و مسکن در خاتمه بیانات خود ضمن اظهار تأسف از بیماری و عدم شرکت آقای مهندس بدیع دبیر کل شورایی عالی شهرسازی و دبیر کل کنگره معماری ایران، موفقیت سمپوزیوم را در نیل به هدفی که از تشکیل آن مطلع نظر است خواستار شد.

پس از سخنان آقای وزیر آبادانی و مسکن گزارش دبیر کل سمپوزیوم قرائت گردید. آقای مهندس بدیع دبیر کل

سمپوزیوم در گزارش خود یادآور شده بود متأسفانه بعثت عدم پیش بینیهای لازم توسعه شهرها غالباً روی اصول صحیح انجام نگرفته و ساختمانهای جدیدیکه بوجود آمده است نه تنها با اصول معماری جدید انطباق زیاد ندارد بلکه در ایجاد آنها شرایط جغرافیائی و خصوصیات خاص جامعه ایرانی کمتر رعایت گردیده است.

بنابراین اینک که موضوع مسکن بعنوان مسئله روز مورد توجه خاص قرار گرفته و برنامه وسیعی برای ایجاد واحدهای مسکونی تدارک دیده شده است مباحثات و گفتگوهای سمپوزیوم حاضر میتواند نقشی بسیار سازنده و مفید در جهت تحقق بخشیدن به آمیزش سنتی و اصول جدید معماری ایفا کند. سپس اولین جلسه سخنرانیهای سمپوزیوم بریاست آقای ساتور محسن فروغی آغاز بکار کرد.

دومین روز جلسه نیز بریاست آقای بهنیا مدیر عامل و رئیس هیات مدیره بانک رهنی ایران اداره شد و سومین روز جلسه بریاست آقای علی صادق رسیت یافت و در طی مدت این سمپوزیوم از طرف اسامی مشروحه زیر سخنرانی شد و رساله های ارسال گردید:

الف - مسائل اجتماعی و اقتصادی مسکن

- ۱ - آقای بهنیا مسکن و مسائل اعتباری آن
- ۲ - آقای شاهپور راسخ گذشته، حال و آینده مسکن در ایران
- ۳ - تیمسار سرلشکر میرحسین عاطفی مسکن در شهرها و روستاها
- ۴ - آقای کامران دیبا خانه سازی برای طبقات کم درآمد
- ۵ - آقای بهروز حبیبی عوامل خارجی و داخلی موثر در مسکن

ب - مسکن و شهرسازی

- ۱ - آقای خسرو معاون مختصری از مطالعات و نتیجه گیریهای طرح جامع تهران نسبت به عامل مسکن
- ۲ - آقای نادر اردلان بافت شهرهای ایران - نظم یا بی نظمی
- ۳ - آقای فیروز افروز سخنی چند پیرامون خانه سازی

ج - مسائل کلی و برنامه ریزی

- ۴ - آقای عبدالحمید اشراق بحث بافت شهرها
- ۵ - آقای اسکندر بیرمیان عم آهنگی مسکن و یافت شهرها از نقطه نظر هنری و نظام اجتماعی
- ۶ - آقای احمد عظیمی مسکن و برنامه ریزی شهری
- ۷ - آقای کاظم ودیعی ارکان یک سیاست ملی مسکن

ج - مسائل معماری مسکن

- ۱ - آقای علی سردار افخمی تحولات و وضع خانه سازی در ۳۰ سال اخیر
- ۲ - آقای جهانشاه درخشانی مسکن در نقاط زلزله خیز
- ۳ - آقای منصور قلامکی نکاتی درباره خانه و مسکن در ایران از دیروز تا فردا
- ۴ - آقای ایرج اعتصام مسکن در حال حاضر
- ۵ - آقای اصغر ساعد سمعی کی و کجا مسکن بازیم
- ۶ - آقای محمود علی آبادی بررسی مسکن برای آینده
- ۷ - آقای مهدی علی آبادی مسائل اعتباری مربوط به مسکن کارگران و سایر طبقات کم درآمد
- ۸ - آقای مهندس حسن برمک وضع کنونی مسکن در نقاط شهری ایران
- ۹ - آقای جهانگیر مظلوم مسکن و عوامل مربوط به آن
- ۱۰ - آقای علی اصغر طلا مینائی انعکاس تحول و رنسانس قرن بیستم (جانشینی ساخت بجای عنصر) در نظام مسکونی
- ۱۱ - آقای داریوش بوربور اثرات نسیم در خانه سازی برای کرانه های بحر خزر
- ۱۲ - آقای ایرج شجاعی بررسی مقدماتی عوامل زیر بنائی مسکن
- ۱۳ - آقای بهروز کورانی اصول کلی سیاست برنامه ریزی مسکن در ایران
- ۱۴ - آقای کیومرث میرزا بهرام مسکن در رابط با طرحهای جامع شهری
- ۱۵ - آقای ایرج زنگانه اثرات تأسیسات جامعهای در مسکن
- ۱۶ - آقای علی شیبانی شهرسازی و مسکن، حال و آینده

از سخنرانی های عیدیه و مباحثاتی که انجام شد میتوان نکات زیر را بعنوان نتیجه ذکر کرد:

- ۱ - مسائل کلی و برنامه ریزی
- ۱ - نظر به اهمیت موضوع مسکن و تنوع مسائلی که طراحان و مجریان چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی با آن روبرو میباشند همانطور که در قطعنامه کنگره سال ۱۳۴۹ اظهار شده تشکیل مجدد سمپوزیوم هر سال یکبار برای بحث درباره آنچه که انجام شده و آنچه که باید انجام شود مطلوب و مستند باشد و در سمپوزیوم های بعدی باید مسائل خاص بطور محدود و مشخص مطرح شوند تا حتی الامکان بر نتایج عملی منجر گردد.

۲ - مضیقه مسکن در شرایط حاضر ایجاد میکند که در برنامه پنجم عمرانی کشور برنامه‌های بعد برای مسکن برخلاف قبلی اولویت خاصی قائل گردند و فصل جداگانه‌ای مجزا از فصل ساختمان برای آن در نظر گیرند .

۳ - هر چند در سالهای اخیر کوشش هائی در جهت بررسی کل احتیاجات مسکن بعمل آمده و برنامه هائی تهیه و پیشنهاد گردیده است ولی چنین نظر میرسد که هنوز در این زمینه باید سعی و کوشش فراوان و پیگیر مبذول و همکاری نزدیک بین موسساتی که در این راه فعالیت دارند (وزارت آبادانی و مسکن، بانک مرکزی ایران مرکز آمار ایران، بانک رهنی ایران و موسسات علمی و تحقیقاتی) بوجود آید و مخصوصا شهرداریها برای همکاریهای مستمر جهت تهیه آمارهای فعالیت و روشن کردن گرایش های کمی و کیفی و بررسی مصالح و غیره تجهیز شوند تا در ظرف چند سال نکات تاریک، روش و مجهولاتی که در حال حاضر موجود است معلوم گردند .

۴ - در بررسیها و تهیه برنامه‌ها و طرحها مخصوصا باید به احتیاجات و خواسته های فشرده مختلف اجتماع که باعث رضای خاطر و آرامش روحی میگردد توجه کرد و ضوابط و معیارها را تا حد امکان با آنها منطبق ساخت ولی بنحوی که عقب ماندگی های بهداشتی و اجتماعی بتدریج رفع گردند .

۲ - مسائل مربوط به زمین و تاسیسات تجهیزات شهری

۱ - تامین زمینهای کافی با تاسیسات و تجهیزات و به قیمت مناسب همانطور که دولت اعلام نموده است مقدمه لازم برای اجرای برنامه‌های خانه سازی است .

۲ - حل مشکل زمینهای شهری واجد تاسیسات که نارسائی قوانین و مقررات موجود مانع از نوسازی و استفاده بهتر از آنها میگردد در عرصه زمین برای ساختمان مستقما تاثیر خواهد کرد .

۳ - مسائل مربوط به شهرسازی و معماری

۱ - در طرحهای شهر سازی حمایت از بافتهای سنتی فقط تا حدی که موجب اختلال در نظام شهری نباشد مطلوب میباشد .

۲ - اجرای تدریجی طرحهای جامع شهری باید بوسیله وضع مقررات قانونی مترقی که بارعایت جهات لازم تدوین شده باشد تامین گردد و طرحهای تفصیلی و اجرایی مغایر با اصول اساسی طرح کلی نباشد .

۳ - از لحاظ معماری در تهیه طرحهای ساختمانی اعم از انفرادی یا آپارتمان از تقلید کورکورانه نمونه‌های خارجی اجتناب شود و بدون افراط در تقلید از گذشته مقتضیات طبیعی و شرایط اقلیمی و اجتماعات گروه‌های مختلف و اجتماعی مصالح کلی کشور رعایت گردد . و این موضوع در درجه اول در مورد ساختمان های مسکونی دسته جمعی که توسط دولت و سازمانهای وابسته بآن ایجاد میشود مورد توجه قرار گیرد .

۴ - مسائل مربوط به اعتبارات

۱ - برای تامین مسکن طبقات بی بضاعت و کم درآمد تخصیص اعتبارات کافی در بودجه های ستوانی کشور ضرورت تام دارد چه ، این سرمایه‌ها در شرایط عادی قابل برگشت نیست و بخش خصوصی نیز در مورد این طبقه تمایلی برای سرمایه‌گذاری ندارد .

۲ - برای طبقات متوسط اعتبارات دولتی بصورت وام لازم است بخش خصوصی مخصوصا باید تجهیز پس اندازها و تدوین مقررات واحدی برای تاسیس صندوق پس انداز مسکن در تمام سیستم بانکی کشور و استفاده از کمک بهره برای جلب سرمایه‌ها و کمک به شرکتهای پس انداز وام مسکن و تسهیلات و معافیت مالیاتی برای آن قسمت از درآمد موسسات ساختمانی که مجددا در خانه‌سازی سرمایه‌گذاری میشود و پرداخت جوایز به افراد طبقات کم درآمد که از محل درآمدهای خود به تهیه مسکن میپردازند و امثال آن توجه شود .

۵ - مسائل اجرایی

۱ - برای استفاده از تکنولوژی جدید و تحقیقات درباره مصالح ساختمانی و روش های اجرایی ساختمانها تاسیس يك مركز تحقیقات و مطالعات ساختمان و خانه سازی لازم و مفید بنظر میرسد .

۲ - اجرای برنامه‌های وسیع خانه سازی مستلزم ایجاد مکانیسم های لازم از قبیل ایجاد موسسات خانه سازی وابسته به بخش دولتی و خصوصی برای طبقات کم درآمد بوجود آمدن شرکتهای بزرگ خانه سازی برای سایر طبقات میباشد این موسسات و شرکتهای باید از حمایت کافی برخوردار شوند مخصوصا اطمینان داشته باشند که هر سال تعداد کافی عملیات متناسب با سرمایه و تسهیلات و تجهیزات خود بخرانند داشت .

۳ - مسئله صنعتی کردن ساختمانها بطور کلی از لحاظ آتیه بسیار جالب میباشد و باید از هم اکنون مورد توجه قرار گیرد تا شرایط صحیح اقتصادی و اتخاذ این روشها در کشور ایران مشخص و معین شود و اختلاف نظر های موجود رفع گردد .

۴ - اجرای يك برنامه صحیح خانه سازی البته مستلزم ترتیب کادر و کارگران ماهر در رشته های مختلف میباشد آموزش لازم باید به تناسب برنامه های انسانی در سطح استانها انجام پذیرد .

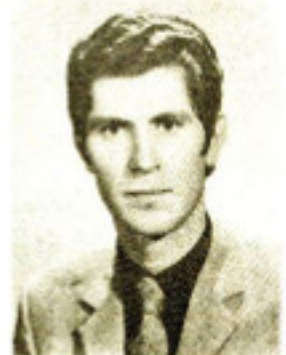
۵ - تشویق و کمک به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی جهت ایجاد کارخانجات تولید مصالح خصوصی در شهرهای بزرگ و قطبهای توسعه از طریق اعطای وام و غیره .

۶ - چون اجرای صحیح و سریع برنامه های وسیع خانه‌سازی مستلزم بکار بردن روشهای علمی مدیریت میباشد لذا توجه به تعلیم این روشها به مسئولان اجرایی ضرورت تام دارد و چنین بنظر میرسد که موسسات خصوصی ساختمانی و سندیکای پیمانکاران باید در این کار مقدم شوند .

تسلیت

کارو قازاریان آرشیکتک جوان و هنرمند، از بین ما رفت . در سوک این همکار، ایراز تاسف و تاثیر بسیار گردید و در غم و اندوه بازماندگانش همدردی شد .

انجمن آرشیکتکهای ایران مجلسی بمناسبت درگذشتش در باشگاه آرامنه ساعت ۸ روز شنبه دوم بهمن ماه ۵۰ ترتیب داد که در آن جمعی از همکاران و خویشاوندان و دوستان بدورهم جمع شدند . از طرف



آقای هوشنگ سیحون رئیس انجمن با ایراز احساس عمیق از عوالم زندگی و هنر کارو مطالبی بیان شد و دیگر دوستان متوقفا بیهاد صمیمیت و تلاشهای اظهاراتی نمودند .

هیئت تحریریه مجله هنر و معماری و کلیه کارمندانش باریکتر ضمن اظهار تاتر مراتب تسلیت خود را بخانواده نامبرد بخصوص خانم لیلی ماری لازاریان خواهر گرامیش تقدیم میدارند و برای آنها صبر و شکیبائی آرزو دارد .

نمایشگاه آثار مهندس هوشنگ سیحون
 در کارگری هنری دانشگاه کالیفرنیا
 در سانتا باربارا و همچنین ماساچوست آمریکا
 نقل از روزنامه های اطلاعات و کیهان
 شماره های : ۱۳۷۳۵ اطلاعات و ۸۵۸۶ کیهان
 روزنامه اطلاعات بدنبال چاپ عکس و یک
 اثر نقاشی «خط و خیال» و ویدئوگرافی
 سیحون مینویسد :

چندین پیش نمایشگاهی در سانتا باربارا
 (لوس آنجلس) ترتیب یافت ، این آثار
 که چشم اندازی از معماری بومی ایران بود
 در کنار اسکیس های معماری فرانک لویس
 رایت عرضه شده بود یکی از منتقدان درباره
 این نمایشگاه نوشت طرحهای معماری مهندس
 سیحون در مقایسه با کار رایت اثر بیشتری
 بریننده نمایشگاه میگذارد. طرحهای سریع

کنار دو هنرمند بزرگ هنر قرن بیستم آثار
 خود را ارائه میکرد .

روزنامه کیهان نیز ضمن چاپ کروکی
 «بازار کهنه» یکی از آثار «هوشنگ سیحون»
 که در تالار «هرتر» دانشگاه «ماساچوست» به
 نمایش گذاشته شده است گفت و شنود کوتاهی با
 «سیحون» انجام داده و در مقدمه این بحث
 از قول منتقدین هنری روزنامه های خارجی
 میوید :

«ریچارد آمس» منتقد هنری روزنامه
 «سانتا باربارا» که قبلا از نمایشگاه آثار
 سیحون ، زیر عنوان «خط و خیال» در
 دانشگاه کالیفرنیا دیدن کرده است . درباره
 نمایش آثار هنرمند ایرانی در کنار آثار
 دو چهره ماندگار دنیای نقاشی امروز ،
 نوشته است : طرح های آستره «سیحون»

تجربه ایست که در آثار «رایت» به فراموشی
 سپرده شده است .

«دیوید گبهارد» مدیر گالریهای
 هنری روزنامه «دیلی نگرز» ، چاپ
 کالیفرنیا ، نوشته است : طرحهای آستره
 «هوشنگ سیحون» نقاش ایرانی نمایشی
 است از دریافت زندگی خط و خطها . و
 گرایشی به یک خواست آزاد و آرزو شده
 برای پی جوئی نمود های آستره طبیعت ،
 «سیحون» به خطوط بعدی عاطفی و گاه هیجان
 انگیز می بخشد و طرحهای سرشار از تحرک
 و زندگی ، شادبها و خشونت های صمیمی یک
 زندگی ابتدایی را بارور می کند .

همچنین جراید دیگر داخلی و خارجی
 مطالبی درباره آثار سیحون نوشته اند که
 اهمیت جهانی آثار وی را جلوه گر می سازد.



رایت که با محاسبات معماری همراه است هرگز
 نمی تواند آن فضای معماری را که آثار
 سیحون عرضه میکند داشته باشد . ما در
 میان آثار او امکان تماشای یک اثر معماری
 را نمیبست می آوریم . پس از این نمایشگاه بود
 که آثار نقاشی سیحون در اروپا اهمیتی
 یافت . از آن پس که کنفرانس های او در
 شهرهای مختلف اروپا معماری ایران را باز
 شناساند بود .

در همین ایام بخش فرهنگی ماسا -
 چوست که با آثار تازه سیحون (سری خط
 در خیال) آشنا شده بود از او خواست که
 پنج اثر خود را برای آشنائی بیشتر به نمایشگاه
 بفرستد و در آخر برای او نوشت که در این
 فصل در نمایشگاه آثار او را در کنار پیکاسو
 ودالی عرضه خواهد کرد .
 و برای اولین بار که یک شرقی در

نقاش ایرانی ، خبر از اندیشه و تصویری توانا
 میدهد . لمس عاطفی طرح های این هنرمند
 چنان است که تماشاگر مدت ها به تماشای ایستد
 و در خطوطی که او بجهان هم انداخته است ،
 زندگی می کند . من در طرحهای واقع گرایانه
 او دیده بودم که چگونه به حجم های آستره
 طبیعت سرشار . توجه دارد و حالا می بینیم
 که این توسعه به دریافتی دقیق از ابستراکسیون
 کشیده است .

وی سپس طرحهای معماری سیحون را
 با طرحهای «لویت رایت» آرشیفت نامی
 امریکائی مقایسه کرده و نوشته است :
 نمایشی که «سیحون» از ساختمانها ،
 دهکده ها و مناظر بوجود آورده است هیجانی
 غیرمنتظره را سبب میشود . این طرحها
 لطف تماشای ساختمانها را ، به هنگامی که
 از میانشان میگذریم ، نشان میدهد . این

منتشر شد :

فضا ، زمان و معماری

از زیگفرید کیدیش

ترجمه دکتر مهندس منوچهر مرینی

از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب

سیمای شهر

از کوین لینچ

ترجمه دکتر مهندس منوچهر مرینی

از انتشارات دانشگاه ملی ایران

مقالاتی در باب شهر و شهرسازی

از گروهی از برجسته ترین معماران ،

شهرسازان و اندیشمندان مسائل شهر

ترجمه دکتر مهندس منوچهر مرینی

از انتشارات دانشگاه ملی ایران

نمایشگاه آثار نقاشی سیحون

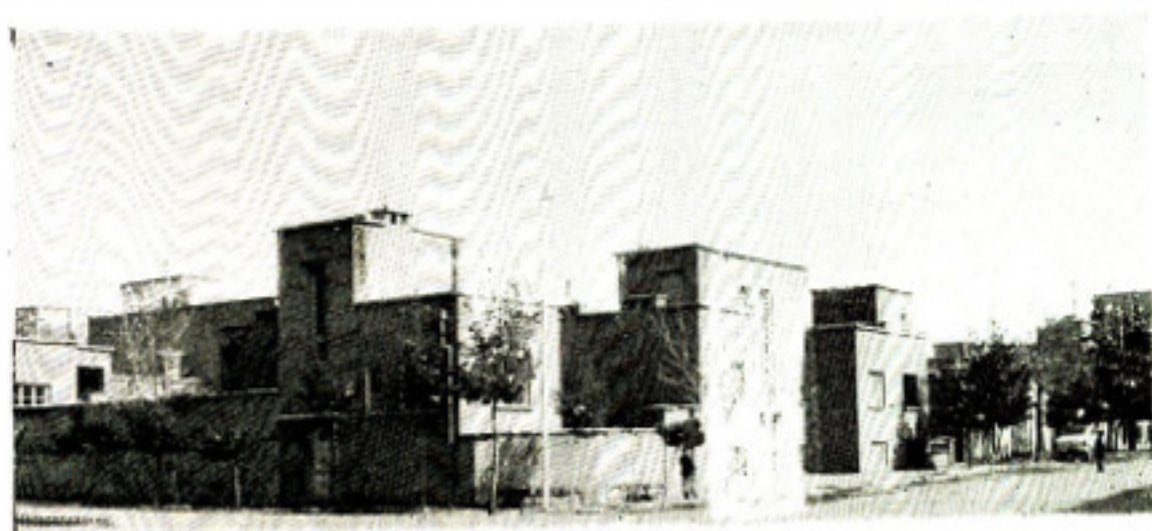
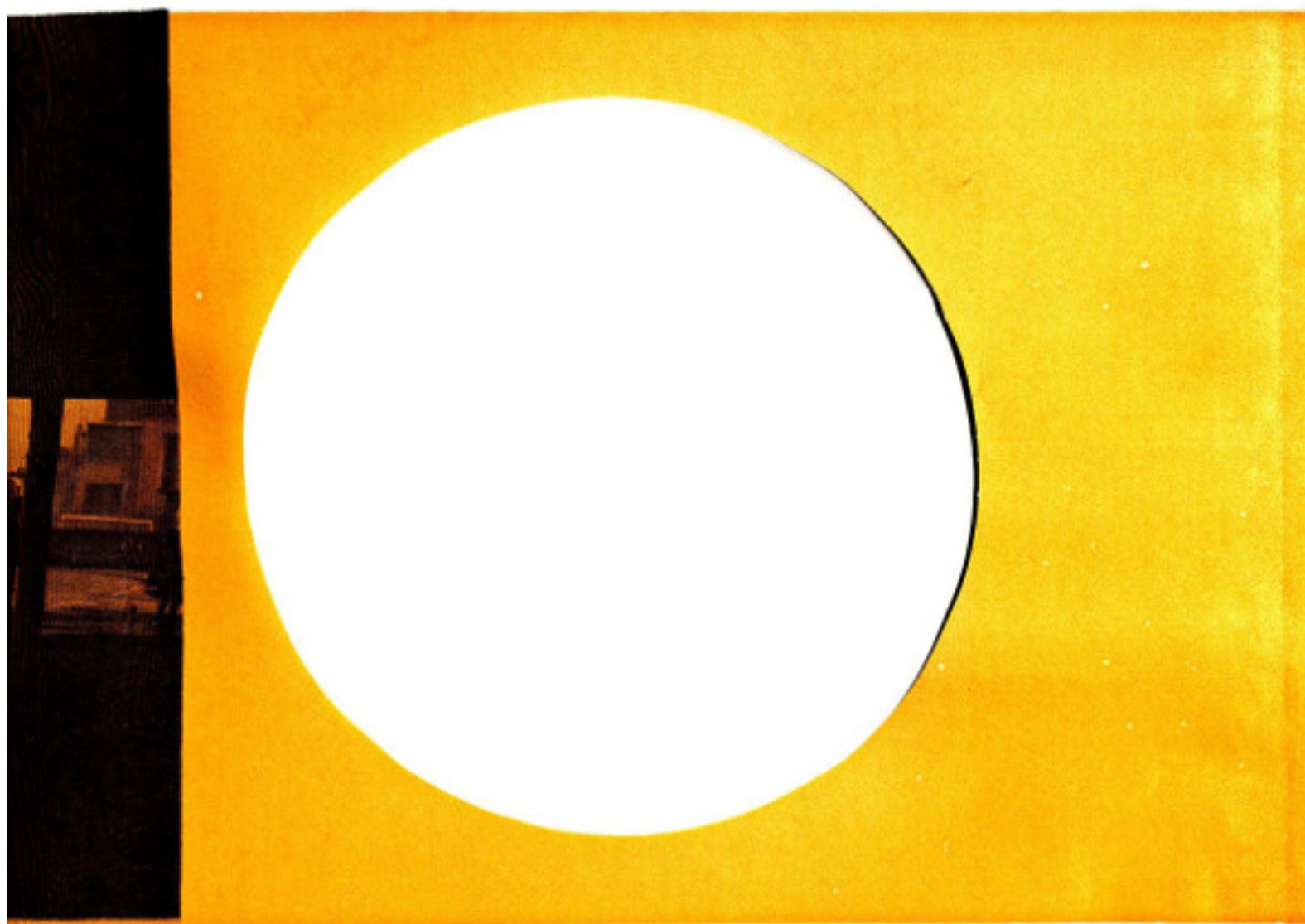
ساختمانهای بانک دهنی ایران



معماری

۱۱۲۱۰

ساختمانهای کوی ۴۰۰ دستگاه





گفتاری درباره احداث شهرکهای بانک رهنی ایران

مقدمه :

هنگامیکه مسئله مسکن در ایران بخصوم
شهر تهران بصورت یکی از مشکلات مطرح
بود و در ارکان مختلف کشور از جنبه های
اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و همچنین
وسعت جغرافیائی شهر تهران تحولاتی بوجود
آمده بود ، لزوم احداث خانه های
مسکونی مورد توجه دولت قرار گرفت و
با سرمایه گزاری و کمک مردم در احداث
شهرکهای در تهران اقدام نمود. خوشبختانه
این شهرکها توانست برای رفاه حال
کارمندان ، کارگران و طبقات معیل که
نمیتوانستند برای خود خانه ای بسازند مفید
واقع گردد .

بانک رهنی ایران از سال ۱۳۳۵ در
انجام این برنامه شروع به فعالیت کرد و در
امر احداث ساختمانهای ارزان قیمت پیشقدم
شد و یکی از علل دیگر شروع این فعالیتها
در بانک رهنی ایران وجود تعدادی مهندس
معمار ، شهرساز و ساختمانی بود که تحصیلات
خود را در آموخت در ایران و خارج از
کشور بیایان رسانده بودند و در تهیه طرحها
و اجرای برنامه های عمرانی بانک همکاری و
همگامی نمودند .

کسانی که در ابتدای این فعالیت ها
نسبت به طرح و اجرای ساختمانهای بانک
رهنی ایران نظارت داشته اند عبارتند از :
آقایان مهندسین : علی صادق ، حسین صادق
و عباس ازدری و همچنین مرحوم مهندس
منوچهر خورسند .

کسانی که در احداث کوی های دیگر
بانک بعد از سازمان فنی بانک رهنی همکاری
نموده اند عبارتند از آقایان : مهندس عباس
ازدری رئیس اداره مهندسی ، مهندس
معمارزاده معاون اداره مهندسی ، مهندس
کریمیان و سیروس جهانشاهی و همچنین
مرحوم مهندس مهدیزاده .

و ضمناً در این سازمان از وجود
مهندسین جوان دیگری که از دانشگاه تهران ،
دانشکده های : هنرهای زیبا (رشته معماری) ،
دانشکده فنی و دانشکده معماری دانشگاه ملی
فارغ التحصیل شده بودند نیز استفاده گردیده
است .



شکی نیست که در اجرای سیاست
عمومی دولت و برنامه ریزی که بانک رهنی
در نوازی آباد بمرحله اجرا درآورد سرپرستی
آقای مهندس ابوالحسن بهنیا رئیس هیات
مدیره و مدیر عامل بانک رهنی ایران متشاء
اثر بسیار بوده است .



مهندس عباس ازدری



مهندس معمارزاده





نمایی از

ک

د



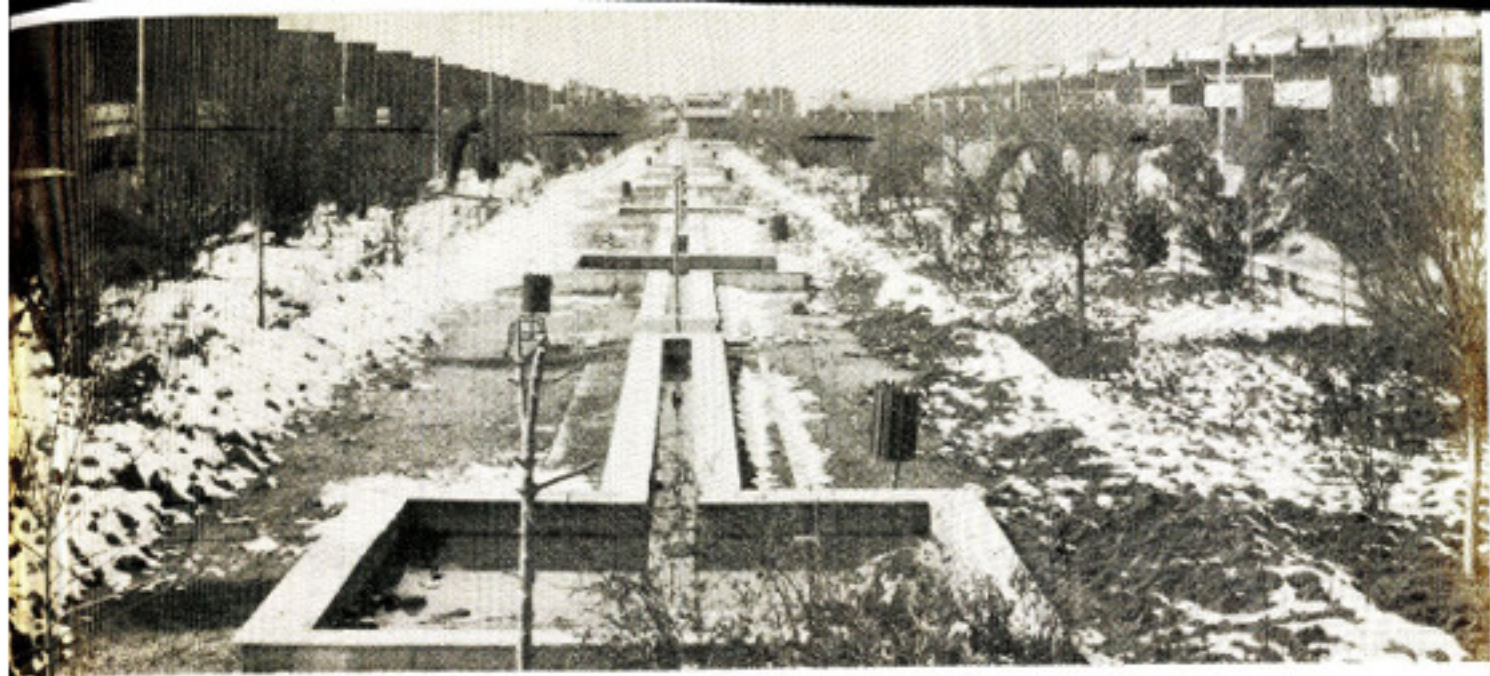
کوی چهار صد دستگاه

شهرداری و در غرب آن تاسیسات آب مشتمل بر یک چاه عمیق و مخازن زیرزمینی و یک برج آب با ارتفاع ۲۵ متر با تلمبه‌های آبرسانی از چاه به مخازن زیرزمینی و از مخازن مذکور به برج آب پیش‌بینی شده است و در انتهای الیه شرقی میدان باغچه‌ای به منظور استفاده ساکنین و کودکان محل در نظر گرفته شده و یک قطعه زمین واقع در قسمت جنوب شرقی این محل نیز برای احداث مدرسه و مراکز بهداشتی منظور شده بود که بعداً دبیرستانی در آنجا احداث گردیده و در قسمتی از این زمین سازمان پیش‌آهنگی ایران تاسیساتی ایجاد نموده است و قطعه زمینی هم در قسمت شرق این کوی برای

اولین کوئی که در تهران نو بنیاد گردید، در سال ۱۳۲۵ بوسیله بانک رهنی ایران در قطعه زمینی به مساحت ۱۲۲۰۰۰ متر مربع می‌باشد. این محل در قسمت جنوبی جاده دوشان‌تپه به فاصله تقریبی سه کیلومتر از میدان ژاله در اراضی اکبر آباد دولاپ واقع گردیده و بنام کوی چهار صد دستگاه مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. تعداد خانه‌های این نویناد جمعا ۳۷۴ باب و تعدادی هم مغازه و محل پخانه‌ها ساخته شده است.

این محل دارای مرکزی است که در اطراف میدان آن مغازه‌هایی پیش‌بینی شده و در قسمت انتهایی غربی میدان مرکز





بلوار کوی فرح

مسجد در نظر گرفته شده که از طرف ساکنین بنای آن احداث و مورد استفاده اهالی محل قرار گرفته است.

بطوریکه ملاحظه میشود در طراحی

این کوی تا آنجا که میسر بوده است نکات و اصول شهر سازی رعایت گردیده و بهمین علت در فاصله ۲۵ سالی که از تاریخ احداث آن میگذرد کوچکترین تغییری در اساس آن داده نشده است و فقط بعضی از مغازه‌ها به علت عدم توانائی مالی ساکنین تبدیل به اطاق خانه‌ها شده است.

این خانه‌ها بدون دریافت هیچگونه پیش قطعی بکارمندان بی‌خانه دولت و بسا شرائط سالی و اگذار گردیدند و به علت عدم دریافت شش قط وصول اقساط برای بانک رهنی ایران ایجاد مشکل کرده است.

برای سایر موسسات دولتی و ملی نیز محلهائی در نظر گرفته شده بود که از آنها استفاده گردیده است. بطور کلی ساختمانهای این کوی تک‌خانهدائی بودند که دارای ساختمانهای یک و یا دو طبقه و قسمتهائی هم باز بر زمین نقشه‌ها طوری طراحی شده بودند که حتی —

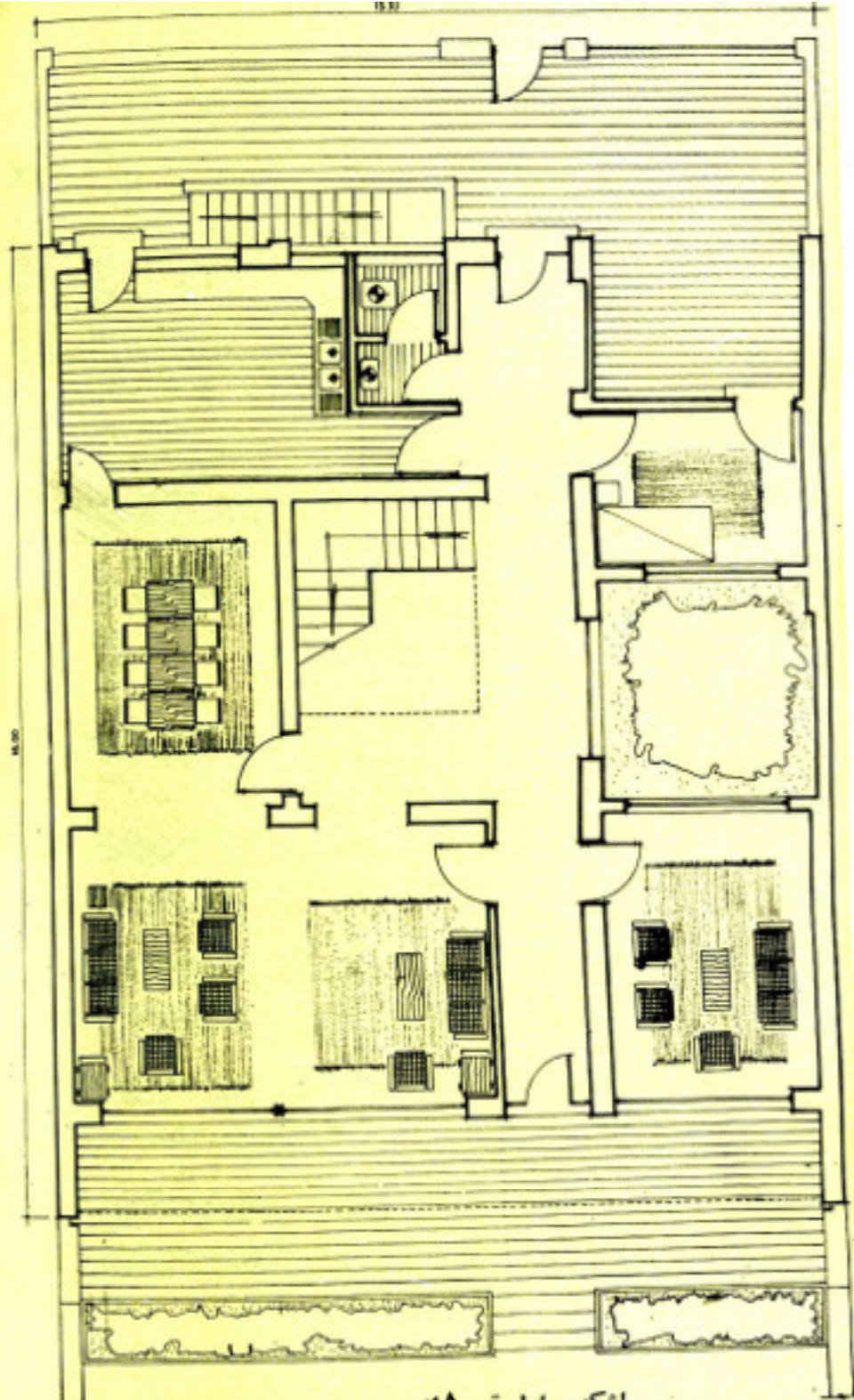
الامکان محلهای مسکونی به طرف جنوب توجیه شوند و از نور آفتاب بوجه احسن استفاده کنند.

عرض کوچه‌ها کلاً طوری پیش‌بینی شده بود که وسائل نقلیه ساکنین محل بتوانند داخل آنها شود و یک خیابان ۲۰ متری شمال جنوبی از وسط این کوی عبور داده شده که خیابان

کوی
۴۰
ستگاه

نمایی از ساختمانهای کوی فرح





اشکوب اول تپ A از سری
خانه های کوی فرح

TYPE A
GROUND FLOOR PLAN

وسيله های نقلیه ای رفت و آمد ندارد .
در دو قسمت شرقی و غربی این کوی
محل هایی برای احداث مدرسه در نظر
گرفته شده و اراضی مناسبی در اختیار وزارت
آموزش و پرورش گذارده شده است که
هم اکنون دایر میباشند .
در جمع کل مساحت تعداد ۶۳۲ باب
خانه علاوه بر مغازه های احداثی و زمینهای
مدارس و چند قطعه باقیمانده در جهت
دو شان تپ احداث گردیده که از انواع مختلف
یک طبقه و دو طبقه است و از جهت مساحت زمین و
مساحت زیر بنا و بهای خانه ها ، باهم متفاوت
می باشند و از لحاظ شهر سازی این ساختمانها
طوری در نظر گرفته شده اند که هیچ خانه ای
برای خانه های مجاور مزاحمت فراهم ننماید
و مانع تابش نور آفتاب به مجاورین نگردد .
گذرهای احداثی در این کوی نیز به
ترتیبی پیش بینی شده که در عین حال
که وسائط نقلیه ساکنین می تواند داخل
آنها شود از لحاظ ترافیک عمومی مزاحمتی
برای ساکنین مذکور فراهم ننماید فقط یک
خیابان شمالی و جنوبی نسبتا عریض خیابان
فرح آباد را به قسمتهای جنوبی این کوی
مربوط می سازد .
این خانه ها از لحاظ مصرف مصالح
که در عین حال از انواع نسبتا مرغوب در نظر
گرفته شده جنبه لوکسی نداشته و جنبه های
استحکام بنا و رفاه ساکنین و ارزانی قیمت
منظور نظر بوده است .

عکسهائی از ساختمانهای کوی فرح

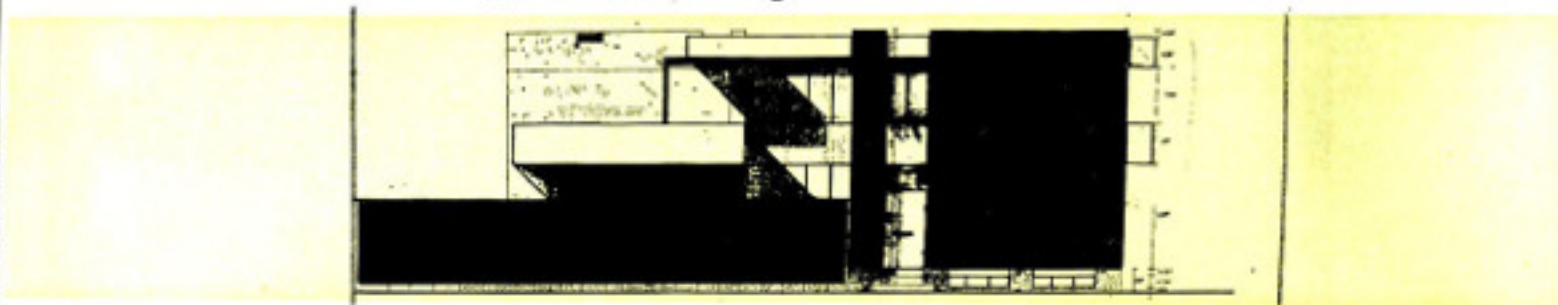




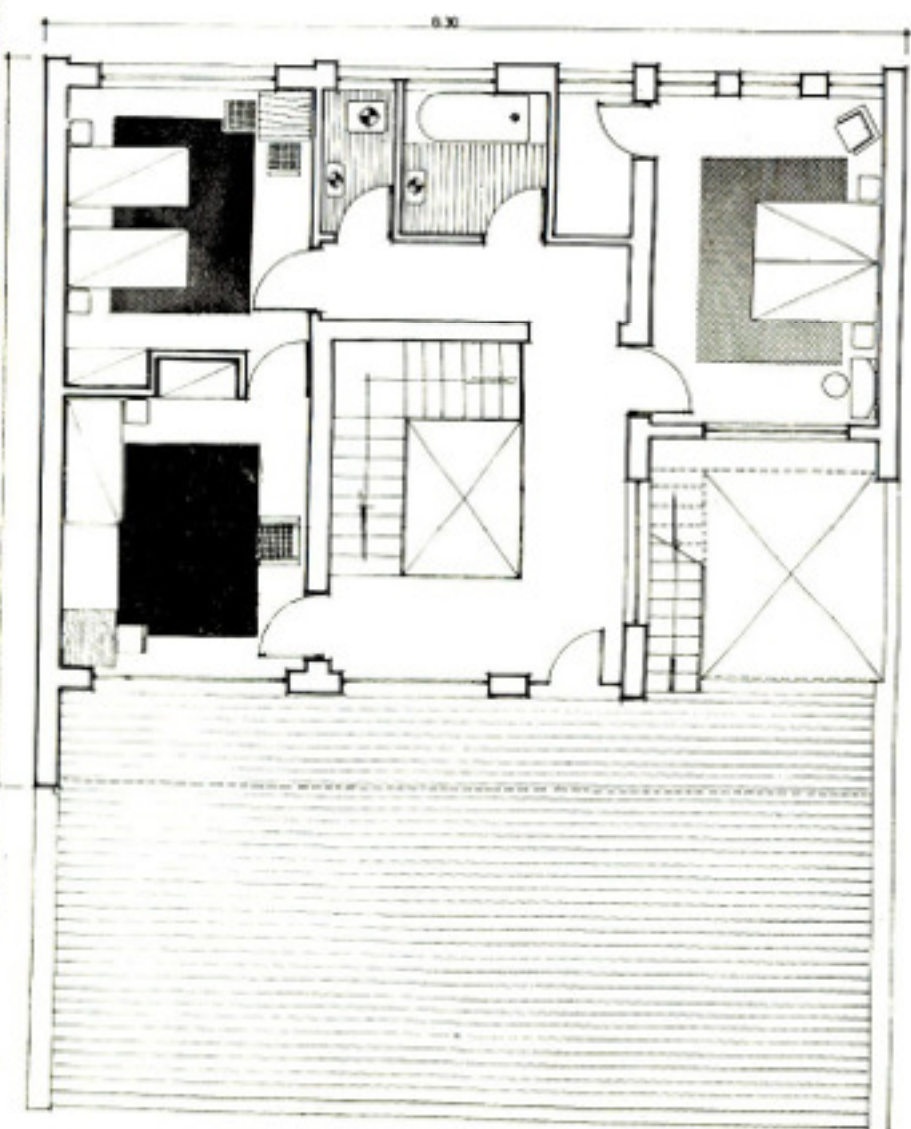
نمایی از ساختمانهای کوی فرح



نمایی از ساختمانهای کوی فرح



اشکوب دوم تپ A از سری خانههای کوی فرح



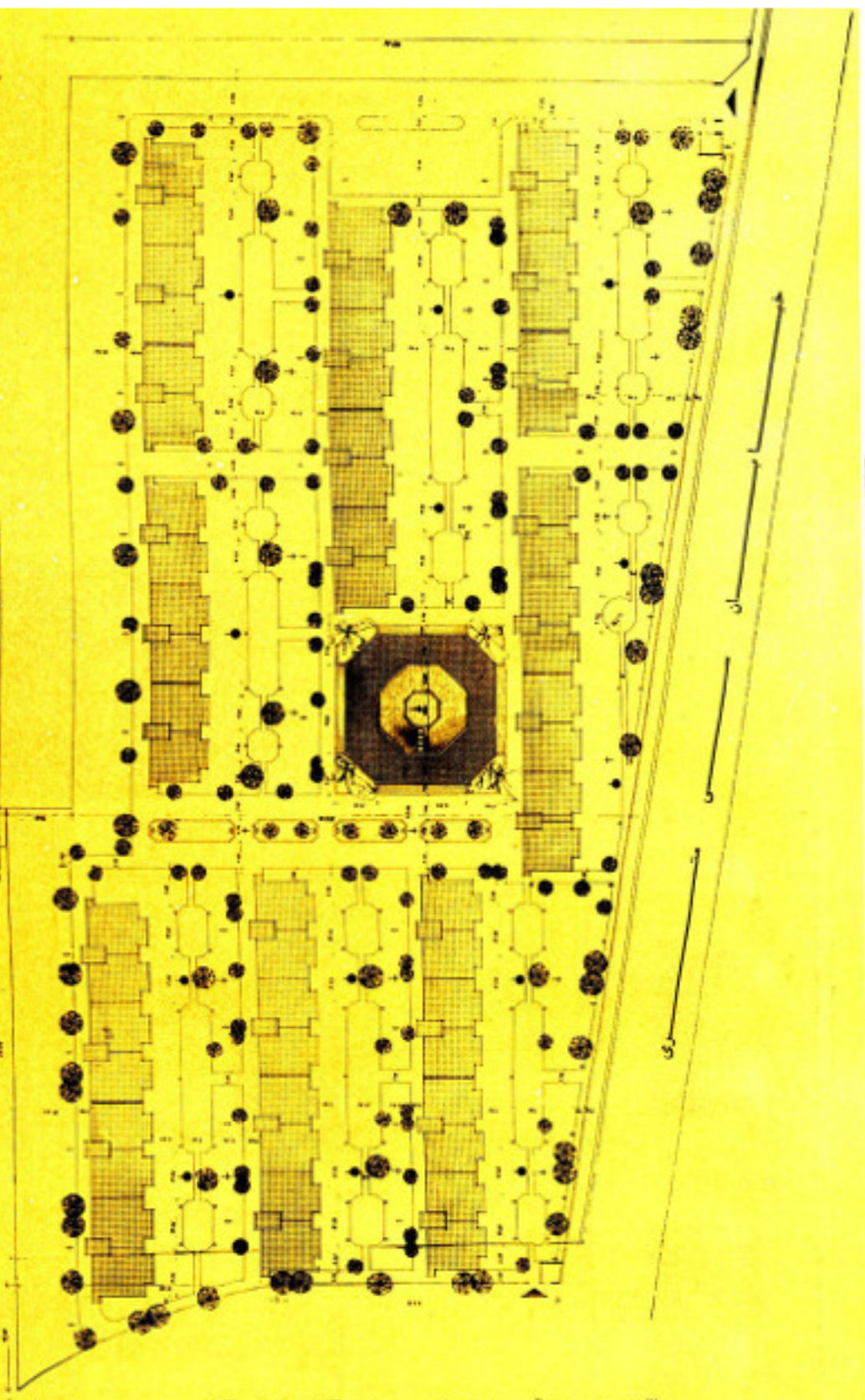
TYPE A FIRST FLOOR PLAN

قیمت خانهها حداقل ۳۶۵۰۰۰ ریال و حداکثر از ۱۲۴۰۰۰۰ ریال تجاوز ننمود (مساحت خانههای به قیمت حداقل ۲۰۰ متر مربع و مساحت خانهها به قیمت حد اکثر ۴۰۰ متر مربع بوده است) .
این خانهها نیز توسط مهندسین بانک رهنی ایران طراحی و بطور امانی اجرا شدهاند .

نحوه فروش این خانهها باین طریق بوده است که خریداران حداقل میبایستی یک نك قیمت خانهها را بدپانك رهنی بپردازند و بقیه را هم با قسط ماهانه در مدت ۱۵ سال واریز نمایند .



مهندسین ایرانی آبادیه سازی آباد
طرح محوطه سازی و روشهای



نقشه مجموعه قسمت اول کوی چهارم آبان (نازی آباد)

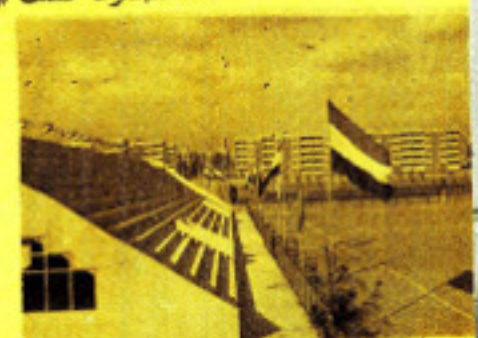
کوی چهارم آبان



سری اول تیپ B سه طبقه چهار طبقه



سری آپارتمانهای تیپ A سه طبقه ۵ طبقه



سکوی تماشاچیان استادیوم ورزشی



کوی چهارم آبان

در زمان سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر، از طرف وزارت دارائی (مرحوم داور) شرکتی بنام شرکت لوازم ساختمانی تأسیس گردید و قرار بود کلیه امور ساختمانی کشور از لحاظ تعیین طرح‌ها و انجام ساختمانها و تهیه مصالح ساختمانی وسیله این شرکت انجام پذیرد. برای مصالح ساختمانی قطعه زمینی به مساحت ۳۰۰ هزار متر مربع از زمینهای نازی‌آباد واقع در جنوب غرب تهران اختصاص داده شد و در آنجا چند کوره آجرپزی از نوع هوفمن و یک کارخانه سنگبری ایجاد شده بود که در نظر بوده است سایر مصالح از قبیل کاشی - آجر سوز و غیره نیز در این محل تهیه گردد.

در سال ۱۳۲۵ که قرار بود بانک رهنی ایران کوی چهارصد دستگاه را ایجاد نماید از

لحاظ تهیه آجر در نظر گرفته شد که از کوره‌های نازی‌آباد که در آن موقع در حال تعطیل بودند استفاده شود و بدین منظور بامذاکره با هیات تصفیه وزارت دارائی این کوره‌ها از طرف بانک اجاره شد و آجرهای مورد نیاز تهیه گردید. بعداً بانک رهنی ایران از لحاظ تهیه مصالح ساختمانی جهت طرحهای آبی خانه سازی تصمیم بر این گرفت که این محل را از هیات تصفیه مذکور خریداری کند و بهمین طریق نیز اقدام شد و سالها بانک رهنی در این محل آجر فشاری تهیه نمود و بعداً با ایجاد یک کارخانه آجر ماشینی و انواع سنگ آنها را بمرض فروش میگذاشت تا اینکه در سالهای پسین ۴۰ تا ۱۳۴۵ به علت وقوع این محل در وسط خانه‌های مسکونی نازی‌آباد و مزاحمتی که برای مجاورین فراهم میکرد کوره‌ها تخریب و کارخانه از

نقشه هم کف آپارتمانهای سه اتاقه تپ



سری دوم

آپارتمانهای تپ B سه اتاقه ۵ طبقه

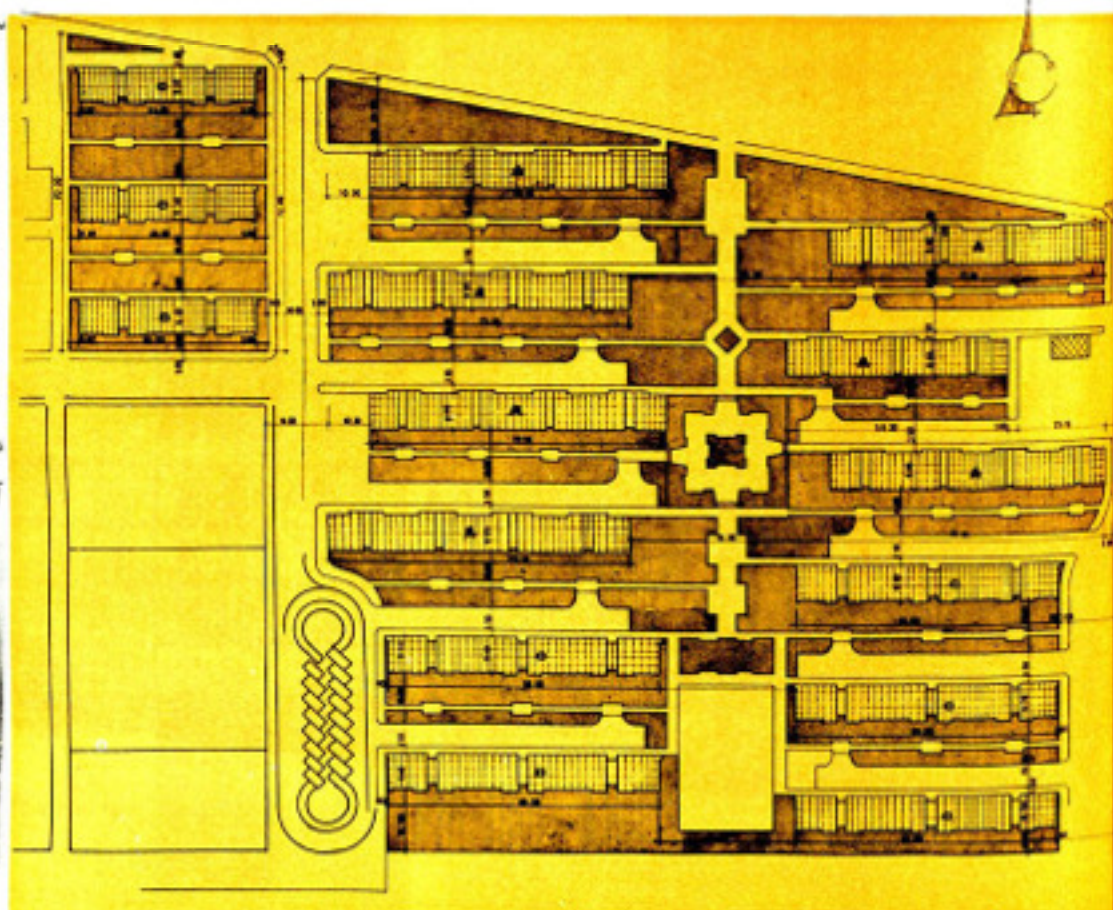


سری اول سه اتاقه ۴ طبقه



مرکز رفاه خانواده در کوی چهارم آبان

آپارتمانهای تپ ۸ سه اتاقه ۵ طبقه





سری دوم تیپ A سه اتاقه ۵ طبقه



سری اول سه اتاقه چهار طبقه

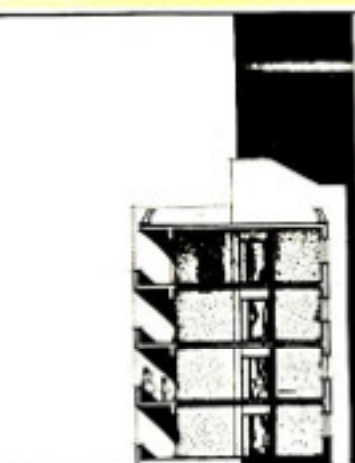


SCALE 1/200

نقشه طبقات آپارتمانهای سه اتاقه تیپ B ۵ طبقه



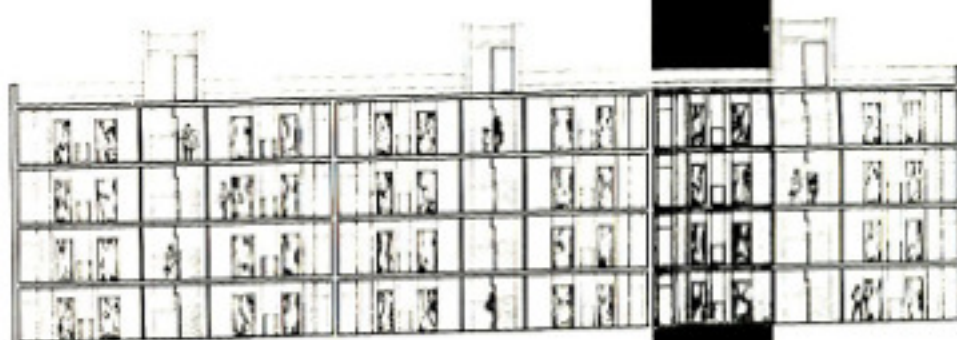
تیپ B سه اتاقه



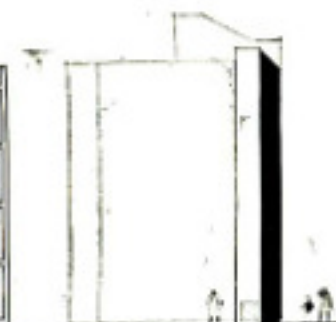
SECTION C-C



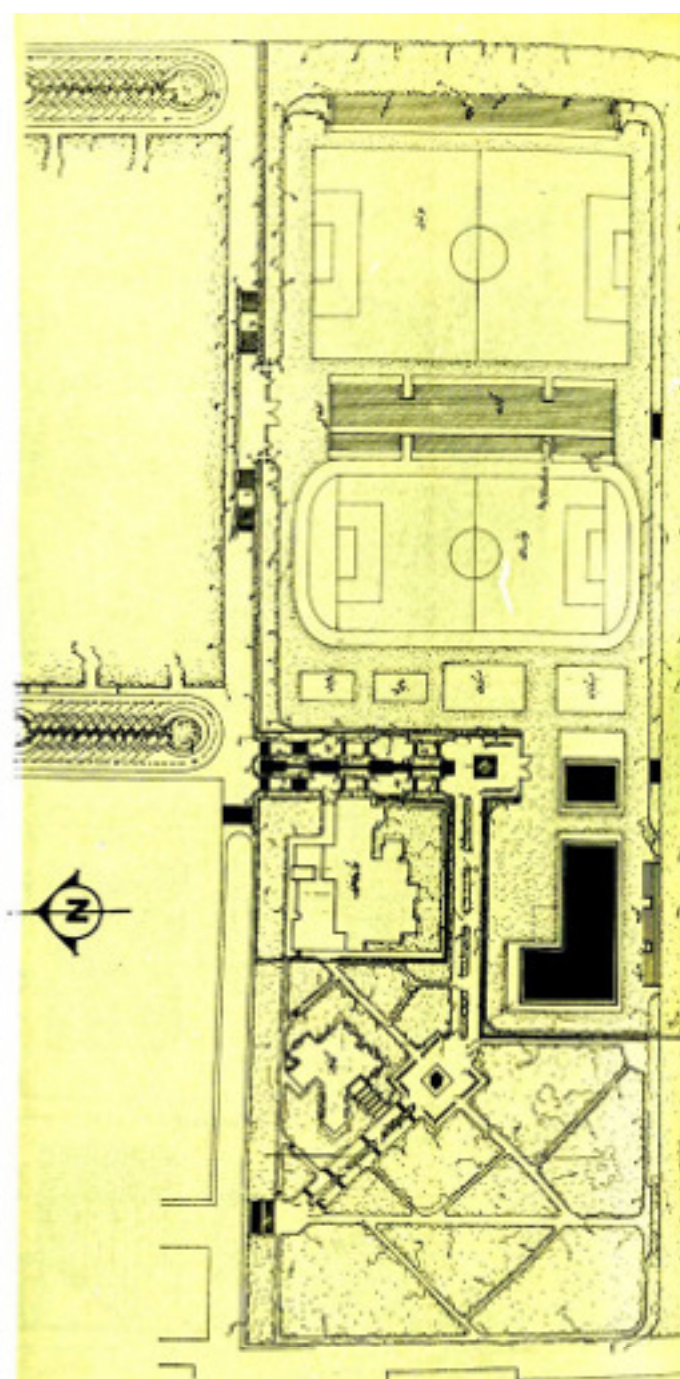
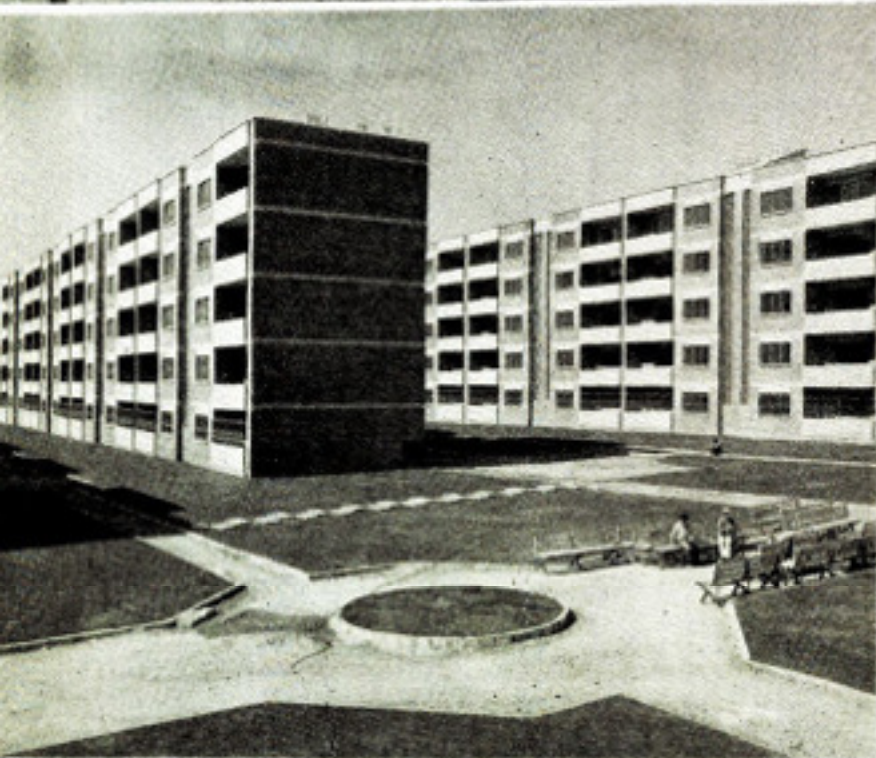
تیپ B سه اتاقه



SECTION A-A



PROJECT DATA	
OWNER	HOUSING DEPT.
DESIGNER	ARCHITECTURAL BUREAU
DATE	1960
SCALE	1/200



نقشه مجموعه قسمت سوم کوی چهارم آبان (نازی آباد)

عکسپایانی از آپارتمانهای کوی فرح ←

پارک کوی چهارم آبان و منظره عمومی آپارتمانها



بین برده شد و ماشین آلات آن نیز بفروش رسید .

و چون در سال ۱۳۳۷ مقدار ۸۰ هزار متر مربع از قسمت جنوب این اراضی منتزع و در آن از طرف بانک رهنی ایران با سرمایه سازمان برنامه چهار بلك ساختمان بنا گردید و در اختیار شهربانی كل كنور قرار داده شد . و بعدا هم قرار شد كه ۸۰ هزار متر مربع دیگر از قسمت غرب آن منتزع و باضمام مقداری از اراضی شركت بیمه برای سلسله دكان خانه هاى در آنجا ساخته شود و این خانه ها نیز با اعتبار سازمان برنامه و اعانات دریافتی از طریق شیروخورشید سرخ ایران تحت نظر كمیسیون انجام پذیرفت . باین ترتیب از ۳۰۰ هزار متر مربع زمین در حدود ۱۴۰۰۰۰ متر مربع باقی ماند .

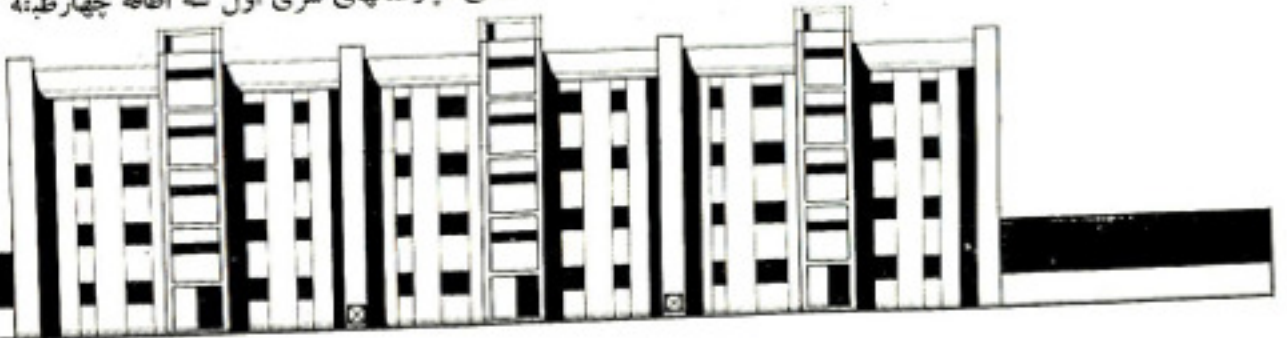
در این موقع بانک رهنی ایران به پیروی از منویات شاهنشاه آریامهر و سیاست کلی دولت در امور مسكن تصمیم گرفت در يك قسمت از باقیمانده اراضی آپارتمان هاى برای طبقه كم درآمد بنا نماید . بدین منظور طرح هاى لازم در اداره مهندسی بانک رهنی تهیه و اولین كلنگ شروع ساختمان سری اول آپارتمان ها در آبان ۱۳۴۸ توسط جناب آقای نخست وزیر بزمین زده شد و ساختمانها شروع گردیدند . و این سری از آپارتمان ها در ۸ بلك و هر تعداد ۲۳۲ واحد مسكونی، در آبان ۱۳۴۹ با تمام رسیدند و طی تشریفاتى در اختیار معلمان وزارت آموزش و پرورش قرار داده شدند (۷ بلك به معلمان و يك بلك به كارگران راه آهن) . سری دوم این آپارتمان ها در همان

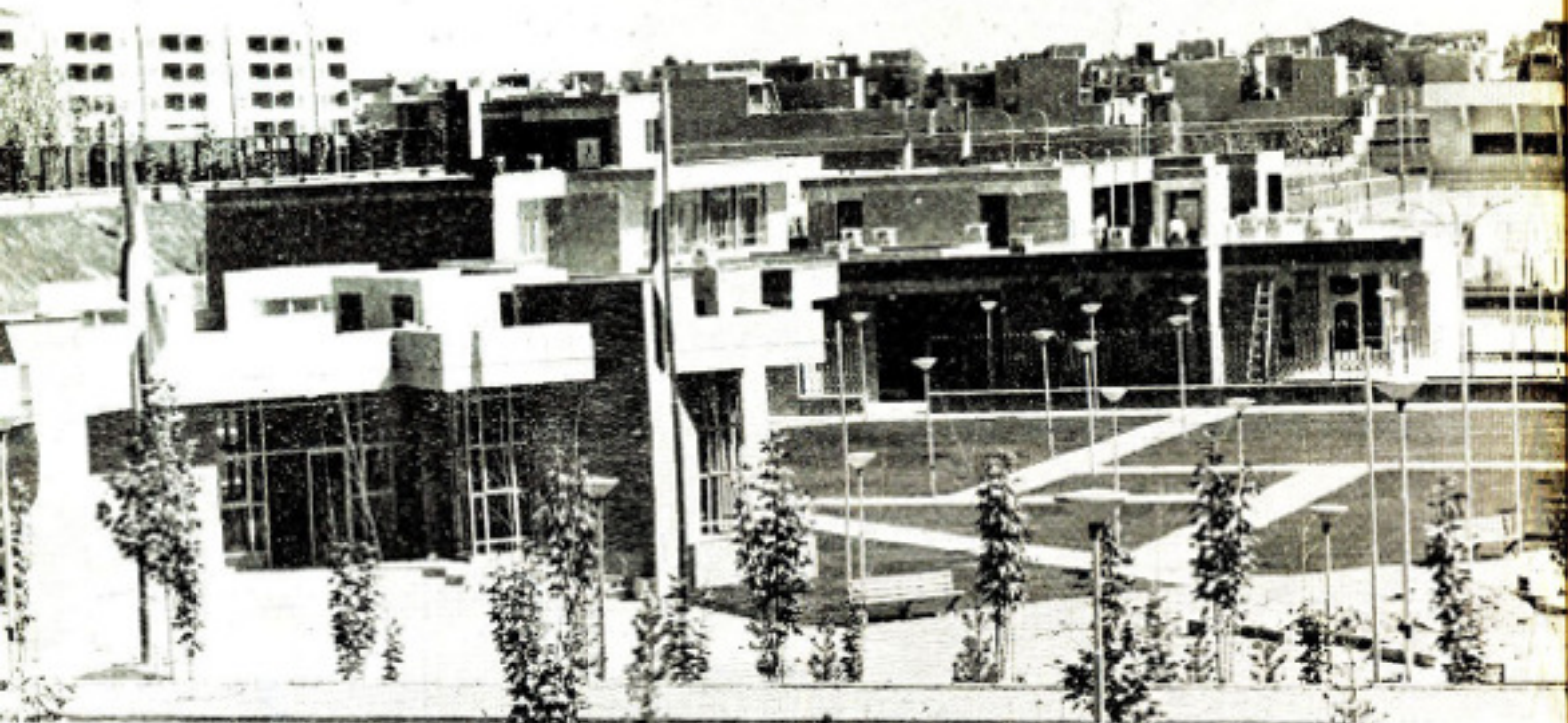
TYPICAL PLAN

نقشه آپارتمانهای سه اتاقه سری اول

1. CORRIDOR
2. LIVING ROOM
3. BED ROOM
4. KITCHEN
5. TOILET
6. BALCONY

نمای آپارتمانهای سری اول سه اتاقه چهار طبقه





کتابخانه مرکزی رفاه خانواده ، کوی چهارم آبان نازی آباد

مورد بازدید شاهنشاه آریا مهر و علیاحضرت شهبانو قرار گرفت و عملیات انجام شده از طرف بانک رهنی ایران مورد توجه اعلیحضرتین قرار گرفت و خدمات بانک رهنی مورد تقدیر واقع شد .

بطوریکه در طرح کلی ملاحظه خواهند فرمود بمنظور تکمیل این کوی باید ۵ بلوک آپارتمان دیگر طبق مشخصات قبلی ساخته شود و طبق امریه صادره بانک رهنی ایران هم اکنون مشغول انجام ساختمانهای مذکور میباشد .

که بصورت ذات مبارك ملوكانه رسید و طبق اجازه ای که صادر فرموده بودند احداث گردید ، پارك مذکور مشتمل است بر دو زمین فوتبال ، دو زمین والیبال و بسکتبال ، دو استخر قهرمانی و کودکان و يك مركز رفاه خانواده : مشتمل بر مهد کودک ، کلاس های مبارزه با بیوادی - کارگاه های حرفه ای - مراکز بهداشتی زنان - يك کتابخانه - يك پارك عمومی و تمام سروسه های مربوط بھريك از مراکز ورزشی میباشد .

کلیه ساختمانهای ۷ بلوک آپارتمانیهای مذکور و پارك ورزشی در ۱۴/۱۰/۱۳۵۰

تاریخ مجدداً از طرف بانک رهنی ایران شروع و در ۷ بلوک هر کدام در ۵ طبقه به تعداد ۲۷۰ دستگاه در اراضی که اکثر آنها گودال های کوره های آجرپزی بودند بنا گردید و همزمان با جشنهای فرخنده ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران این ساختمان ها با تمام رسید و در تاریخ ۲۳/۸/۱۳۵۰ بوسیله جناب آقای نخست وزیر افتتاح شدند .

بموازات انجام این ساختمانها ، بانک رهنی ایران در يك قسمت از اراضی گود کوره های واقع در اراضی جنوب نازی آباد پارك ورزشی پیش بینی نمود که طبق طرح مقدماتی تهیه شده از طرف اداره مهندسی بانک

... نقشه آپارتمانیهای سه طبقه سری اول





اجتماعی از مردم جنوب شهر تهران بر بالای گودال بزرگی
از اراضی نازی آباد، شروع عملیات ساختمانی بانک رهنی را
در این محل نظاره میکنند.

دیروز

سری دوم پنج طبقه به اتمام.



نمای شمالی





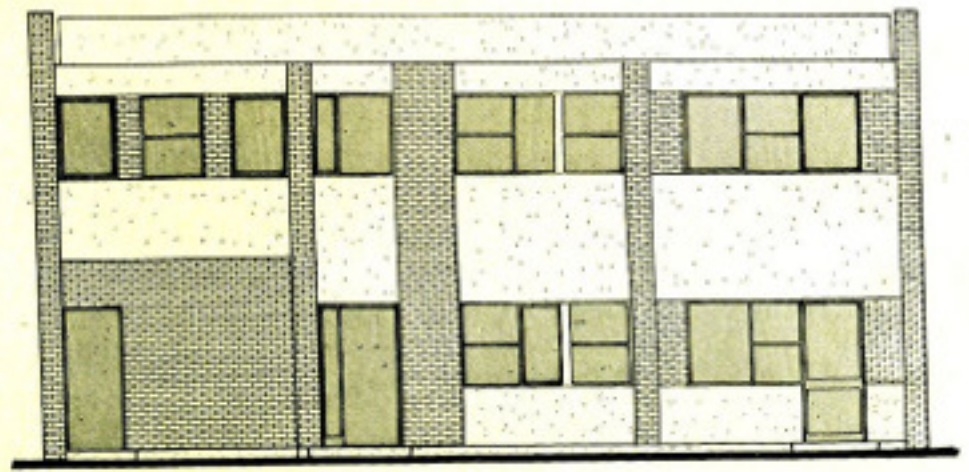
نمای جنوبی
Scale 1:100

پری دوم پنج طبقه سه اتاقه

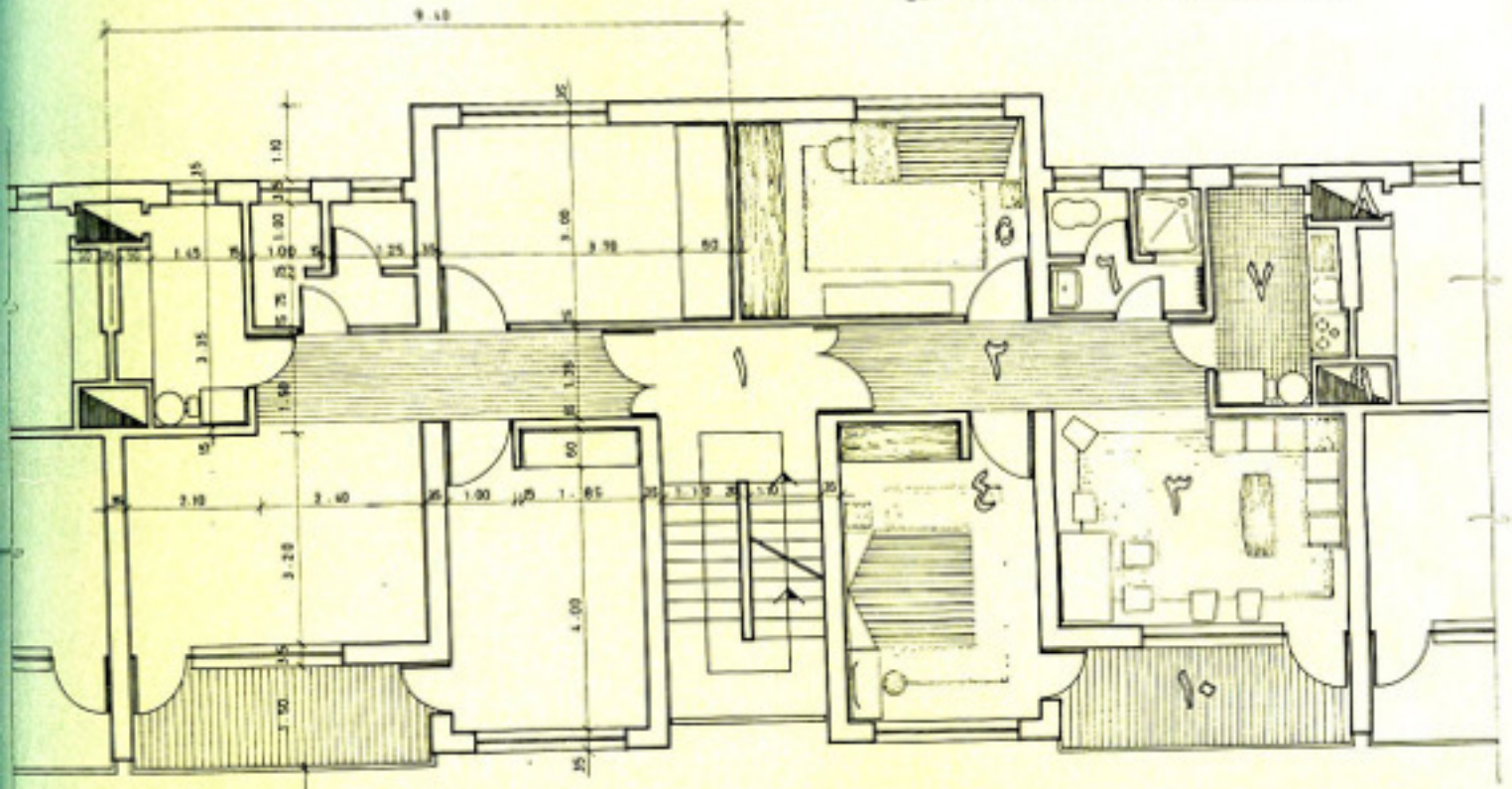
محلی که روزی کوره‌های آجرپزی خاک آنرا آجر نمودند و سطح وسیعی از جنوب شهر را بصورت ناهموار درآوردند امروز با تلاش بانک رهنی ایران بصورت آپارتمانهای متعدد، پارک، زمین ورزش و استخر درآمده و عمرانیهای مختلفی در آن ایجاد شده است.

امروز





نمای جنوبی تپ A ساختمانهای کوی فرح



نقشه آبارتمانهای سه منطقه سری دوم کوی چهارم آبان

SCALE 1:250

نمای شمالی تپ A ساختمانهای کوی فرح



TYPE A
SOUTH ELEVATION

ART AND ARCHITECTURE

ENGLISH LANGUAGE SECTION

بخش انگلیسی

هنرمعاری

art et architecture

Revue Internationale

No. 10 - 11

Juin 1971 — November 1972

DIRECTEUR — FONDATEUR :
ABDOL — HAMID ECHRAGH

Responsable de la
Section Française

CENTRE DE TRADUCTION

Administration:
Av. Anatole France
39 rue CHAHNAZ.

Tel : 41784
Téhéran — Iran

ABONNEMENT ANNUEL 11 U.S. \$
60 Fr Suisse

IMPAR : Z I B A — TEHERAN
TEL : 301537

Cher Lecteur,

En Occident, la Fête de Noël précède de quelques jours seulement une Année Nouvelle, la 1972^{ème} depuis la venue de Jésus, le Messie chrétien. En Iran, c'est près de trois mois qu'il nous faut encore patienter pour connaître, lors de l'éveil du printemps précisément, le même renouveau, le 1351^{ème} à partir de l'Hégire.

Ne pensez pas, Cher Lecteur, après avoir lu ces lignes : voilà deux mondes bien différents sinon inconciliables ! Nous vous répondrions : l'existence dynamique, bien qu'encore jeune, d'ART ET ARCHITECTURE n'est-elle pas une preuve du contraire ?

L'objectif de la Revue est de resserrer plus encore les liens, par le biais des valeurs artistiques, entre notre pays grand parmi les nouveaux venus dans le concert des nations modernes, et ses amis du monde entier.

En 1972, ART ET ARCHITECTURE remplira sa mission en accordant, à sa section française, plus d'importance que par le passé tant au patrimoine artistique qu'aux réalisations modernes architecturales, urbanistiques et archéologiques d'Iran.

ART ET ARCHITECTURE saisit l'occasion pour réitérer que son groupe de travail est au service de ses lecteurs étrangers. Vous nous feriez une réelle joie, Cher Abonné, en nous accordant ainsi d'être simplement votre guide, votre correspondant ou intermédiaire en Iran, pour tout ce qui concerne les Beaux-Arts et particulièrement l'art de bâtir.

ART ET ARCHITECTURE est heureux de pouvoir souhaiter à ses Lecteurs une joyeuse Fête de Noël et de leur adresser ses meilleurs vœux de Nouvel-An.

A.H. ECHRAGH,
Directeur.

L'Esthétique de l'Architecture Achéménide

Sous le premier grand empire iranien, fondé par Cyrus le Grand, l'art dénonce un caractère hybride reflétant les multiples influences des traditions artistiques des pays soumis à sa souveraineté. L'usage des panneaux en pierre et en briques émaillées est emprunté à l'Assyrie et à la Babylonie, ainsi que la représentation du taureau à tête humaine et le thème du lion attaquant un taureau, si fréquent à Persépolis. Les salles hypostyles et l'entablement des portes et fenêtres, dont on appelle les moulures si caractéristiques "gorges égyptiennes", sont d'inspiration égyptienne, alors que les plis des vêtements reflètent l'influence grecque. D'autres éléments étrangers, ourartéens et mannéens se mêlent à ceux propres à l'Iran, tels les tombeaux rupestres et la forme des colonnes et chapiteaux. De ce fait, les constructions achéménides peuvent être considérées comme le point culminant de l'architecture de l'Ancien Orient.

Les débuts de l'architecture achéménide sur une grande échelle doivent inévitablement être jugés d'après le modèle standard que nous procure l'imposant site de Persépolis. Les tombeaux des rois achéménides, creusés dans le roc et imitant l'architecture des palais, nous aident, par maints détails, à avoir une idée approximative de la façade des bâtiments de l'époque. Mais la meilleure source d'information reste Persépolis avec son nombre impressionnant de palais, de terrasses et d'escaliers monumentaux. Ce sont, d'autre part, les mieux conservés des vestiges de l'époque achéménide. D'après le plan de base, comme il fut identifié tout d'abord par Flandin et Coste (1890), enrichi ensuite de détails additionnels grâce aux fouilles entreprises par l'Institut Oriental de Chicago et récemment complété par le Service Archéologique iranien, il est possible d'établir une reconstitution des palais, dans laquelle aucun trait essentiel ne manque.

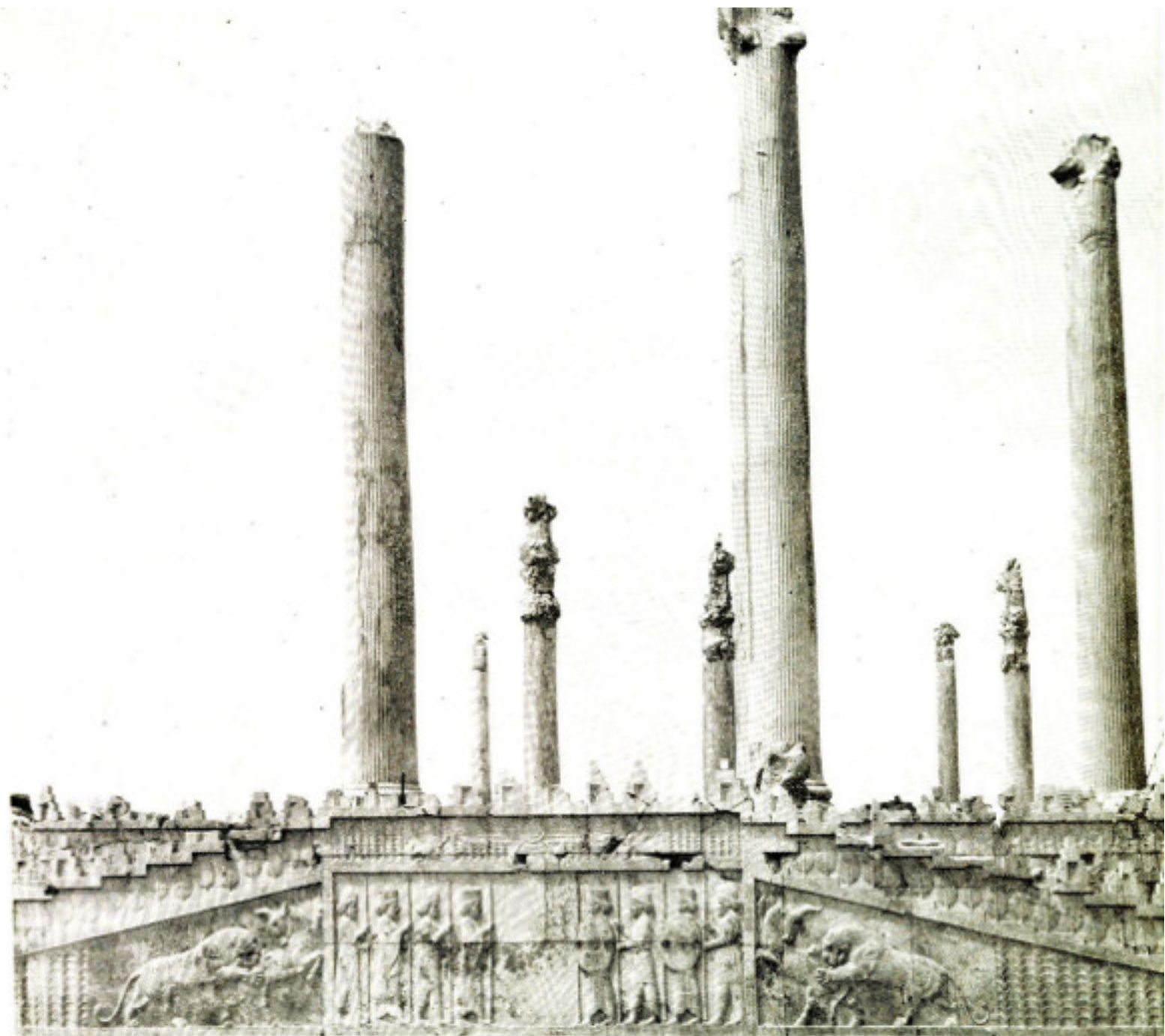


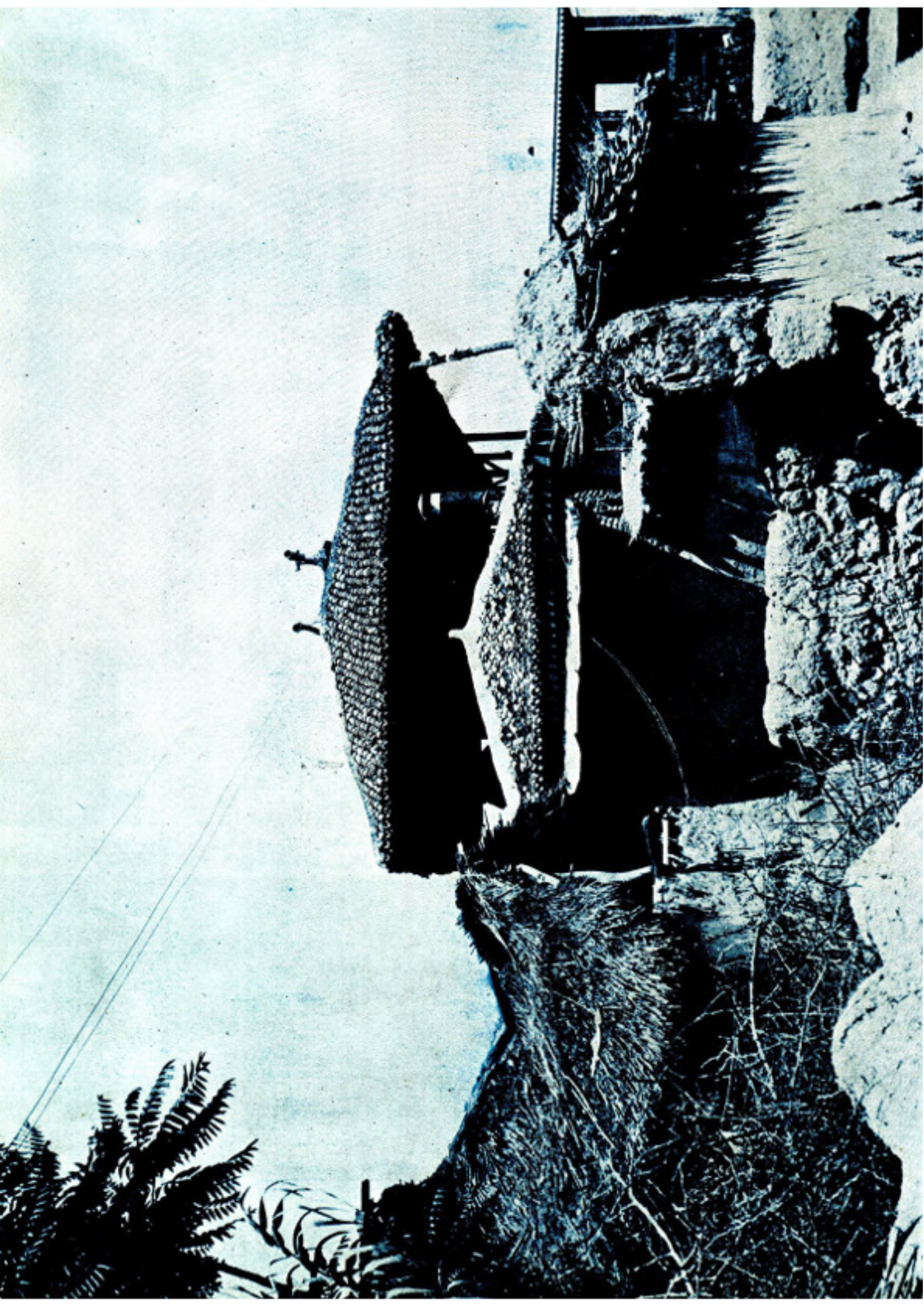


A Pasargades, l'on trouve des constructions en ruines et d'imposantes plates-formes, antérieures à Persépolis. Des traces de bâtiments de l'époque achéménide ont également été découvertes à Qazvin, dans les montagnes entre Ispahan et le Khûzistan ainsi qu'à Hamadân, l'ancienne Ecbatane. Cependant, jusqu'à ce que des fouilles aient été entreprises dans ces endroits, nous devons nous contenter des connaissances que nous apporte l'étude de Persépolis. Les similitudes qui peuvent être établies entre les palais de Persépolis et ceux de Suse, dont les fondations furent posées par Darius, nous prouvent que nous ne devons pas attendre de grandes variations parmi les complexes architecturaux bâtis selon les normes achéménides. Les principales différences sont dues au matériau utilisé et à la technique. A Suse, la brique vernissée a été plus largement employée, alors qu'à Persépolis ce fut la pierre.

L'architecture achéménide paraît avoir à peine changé, dans son caractère général, depuis l'époque de Darius jusqu'à celle d'Artaxerxès. Dans ce sens, elle ressemble à l'architecture grecque, qui a à peine évolué depuis 600 avant J.-C. jusqu'au 4ème siècle de notre ère. Toutefois, l'architecture achéménide fut, dans son ensemble, encore plus statique que l'architecture grecque. Ce que Darius avait construit à Persépolis, Xerxès et tous les successeurs l'acceptèrent comme le début d'un imposant complexe architectural à poursuivre dans un style plus ou moins uniforme et qui devait présenter un caractère continu. De ce fait, des expériences nouvelles ne furent non seulement jamais tentées, mais encore jamais prises en considération, de telle sorte que les édifices et sculptures de Persépolis peuvent être difficilement distingués et datés avec précision même par un expert.

Vus de loin dans la plaine, les palais de Persépolis devaient sembler insignifiants. Rétorquons qu'ils ne furent pas édifiés pour être impressionnants à distance. La conception de base en architecture fut, à l'origine, celle du solide rectangulaire. Pourtant, contrairement aux édifices grecs, il n'y avait aucune tentative d'établir une proportion adéquate entre les zones rectangulaires et les différents côtés des rectangles, ni de prévoir un rapport harmonieux entre la hauteur et la largeur du bâtiment. Les Achéménides qui paraissaient ignorer les relations géométriques, ont néanmoins instinctivement gardé le sens des proportions idéales ainsi qu'en témoigne le Temple du Feu de Firouzâbâd, appelé aussi le temple de Zoroastre.





ARCHITECTURE TRADITIONNELLE EN IRAN

ANVAR ZAHIR

Après la seconde Guerre Mondiale, la conjoncture d'une stabilité économique-politique et d'une explosion démographique à Téhéran (210.000 habitants en 1922, 1.510.000 en 1956 et 3.000.000 environ actuellement) fut à la base d'un essor prodigieux de la construction. Le résultat ne se fit pas attendre : la fièvre de bâtir l'emportait sur la raison comme sur le beau et la cadence folle d'une hâte pressée par la demande effaçait toute originalité architecturale du visage de Téhéran.

Sans doute Téhéran apparaissait - elle comme une cité moderne ! Ses immeubles, en effet, ne différaient pas dans leur conception de ceux d'Europe. Mais la capitale était devenue telle une ville sans âme dont les murs ne respiraient plus l'Orient.

Il ne fallut pas longtemps, heureusement, pour que quelques architectes se souvinssent de l'héritage de leurs pères. Lorsqu'ils se penchèrent pour en examiner le contenu, la valeur se révéla être de 8 millénaires ! L'un des plus prestigieux de par le monde ! Et il y avait là autant de milliers d'années d'expérience, de réflexion et d'invention que le simple bon sens et le désir légitime d'exalter les valeurs artistiques nationales commandaient de ne point ignorer.

Tout, bien entendu, n'était pas à prendre dans l'architecture du passé. Que retenir et que supprimer du patrimoine architectural d'Iran ?

Avant de répondre à cette question, les architectes eurent l'aubaine de pouvoir tirer la leçon de l'expérience en fait dramatique, d'un précédent . Il s'agit de l'architecture européenne du XIX^{ème} et du début du XX^{ème} siècle.

C'est l'époque où s'épanouit le néo-gothique en France, Allemagne, Angleterre, Belgique et Pays-Bas. L'Angleterre, marquée par le conservatisme national, est la terre d'élection du néo-gothique. En France, P. ABADIE adopte les styles roman et byzantin pour la basilique du Sacré-Coeur à Montmartre. En Allemagne, le néo-baroque bavarois sévit à Neuschwanstein. En Belgique, J. POELAERT construit l'énorme Palais de Justice dont la masse domine Bruxelles et conjugue tant de styles qu'il serait vain de les dénombrer. On construit dans le style néo-gothique non seulement les églises, mais aussi des édifices publics comme des hôtels de ville, des hôpitaux, des bureaux de poste et même des gares !

Le recul permet de dénoncer les erreurs évidentes à nos yeux de cette architecture : lourdeur, emphase, pastiche, éclectisme et manque de goût. En d'autres mots, l'architecture s'efforçait de travailler dans une perspective historique, mais non originale, et, à plus forte raison, non fonctionnelle.

Un point, cependant, doit être mis à l'actif de cette époque : l'admiration romantique des valeurs du passé entraîne logiquement la conviction qu'il fallait sauvegarder et restaurer les monuments anciens (églises, châteaux,...) en respectant le style original. Cette idée s'est révélée décisive dans le domaine de l'archéologie et son importance n'a certes pas diminué aujourd'hui.

Instruits de ces exemples et mis en garde, les architectes s'attacheront à définir les nécessités auxquelles l'architecture moderne doit répondre. Et lorsque la définition sera acquise, ils s'inspireront uniquement des formes de l'architecture traditionnelle qui sont en conformité avec les principes définis.

Reprenons ici leur raisonnement, et posons-nous tout d'abord la question de savoir quelles solutions rationnelles apporta l'architecture du passé aux facteurs dont l'architecture moderne doit aussi tenir compte.

Pour l'essentiel, ces facteurs déterminants de toute architecture sont au nombre de trois :-le climat

- la nature du sol et l'environnement
- le mode de vie.

Il est certain que des climats différents imposent des formes différentes à l'architecture. Prenons l'exemple caractéristique du toit : il sera à double pente dans les zones pluvieuses et en terrasse dans les zones tropicales. Et dans les deux cas, une protection supplémentaire peut être apportée à l'habitation sous la forme d'une prolongation du toit : avancée pour les couvertures à double pente et portique pour les toits-terrasses.

Le portique, généralement supporté par une colonnade, protège l'habitation du côté sud contre les rayons brûlants du soleil d'été. Un écran d'ombre se trouve ainsi créé devant le mur où sont généralement percées les fenêtres. Rappelons que, grâce aux découvertes archéologiques, l'existence du portique à colonnade en Iran est attestée depuis un millier d'années avant l'ère chrétienne. Il fut surtout mis à l'honneur dans l'architecture palatiale de l'époque achéménide (de 560 à 330) à Suse, Pasargades et Persépolis.

Pour le paradoxe que présente sa couverture, un monument célèbre mérite quelques mots d'explication. Il s'agit du tombeau de Cyrus le Grand (560-330 avant l'ère chrétienne) visible à Pasargades (130 km au nord de Chiraz). Le toit en dos d'âne de cette véritable "demeure" funéraire a tout pour nous étonner du fait de sa situation : en Iran méridional ! En fait, il constitue l'une des preuves de l'origine nordique des Perses achéménides. Ce fut lors de leur séjour prolongé, sous la suzeraineté des Mèdes, dans la plaine de Hamadan que les achéménides furent influencés notamment par l'art d'Ourartou.

De ce que nous venons d'exposer, il apparaît de façon évidente que le climat s'oppose à l'idée d'une architecture nationale. Sous ce point de vue, parler d'une "architecture de climat" est certes plus conforme à la réalité que parler d'une "architecture nationale".

Le climat, en effet, porte à deux conséquences principales. La première est qu'on peut rencontrer dans un même pays les deux formes de couvertures d'habitations. C'est le cas de l'Iran. Dans le Nord, Hamadan et Kermanschah, vues du haut offrent le spectacle de nombreuses villes d'Europe : des toits à double pente. A Ispahan et Chiraz, pour ne citer que des villes connues respectivement du Centre et du Sud d'Iran, les toits-terrasses permettent aux habitants de jouir de la fraîcheur durant les nuits d'été.



La seconde conséquence est qu'une même forme d'architecture peut être commune à des régions situées aux deux coins du globe pour la seule raison qu'elles sont soumises à des climats identiques. Ainsi, l'habitation recouverte d'un toit en terrasse et précédée d'un portique à colonnade, qui est typique de nombreux pays du Moyen-Orient l'est aussi en Amérique Centrale et du Sud. Les demeures construites sur le plan d'une cour intérieure à péristyle se rencontrent tant en Iran qu'en Grèce, Italie, Egypte... Elles comportent un bassin d'eau au centre, une galerie sur le pourtour qui donne accès aux pièces d'habitation et des petites fenêtres dans les murs extérieurs.

L'architecte du passé a également dû résoudre les problèmes de la nature du sol : terres sismiques, terres marécageuses,.... C'est ainsi qu'il éleva les habitations sur pilotis de bois pour les protéger de l'humidité ou de l'instabilité du sol.

Le mode de vie et les coutumes ancestrales de l'Orient eurent une influence déterminante sur l'architecture et particulièrement sur le plan et la disposition des pièces d'habitation. En effet, les relations entre les gens chez eux et l'extérieur étaient réduites et régies surtout par le respect de l'intimité familiale. Le plan des maisons comprenait deux parties bien distinctes : intérieur (en persan : andérouni) et extérieur (birouni). Encore actuellement à Téhéran même, peu nombreuses sont les maisons qui ont réellement pignon sur rue car un haut mur les cache à la vue du promeneur. Derrière cet écran, une cour dallée avec le jardin familial soigneusement entretenu et le bassin d'eau au centre précède l'habitation proprement dite.



PROGRES DES TECHNIQUES DE CONSTRUCTION ET CONSEQUENCES

Il n'est pas faux de dire qu'au XX^e siècle les techniques ont progressé dans tous les domaines d'une façon beaucoup plus spectaculaire que durant les deux millénaires qui ont précédé. En matière d'architecture, c'est la portée des trois facteurs précités qui s'est trouvée singulièrement diminuée par les progrès de la technique moderne.

Actuellement, la résistance plus grande des matériaux de construction - charpente métallique, couverture en ciment ondulé, ... - permet de faire fi dans une certaine mesure des contingences climatiques.

Les techniques modernes d'aménagement et de confort ont eu des répercussions profondes non seulement sur le mode de vie, mais aussi sur l'élaboration des plans de construction et vice versa. Le conditionnement d'air n'oblige plus les habitants d'Ahwaz (capitale du Khouzestan, province du Sud-Ouest) à vivre dans les caves durant les mois torrides de l'été. D'un autre côté, la vie moderne et les relations qu'elle établit dans la population ont pratiquement supprimé le plan des maisons en deux parties distinctes (andérouni et birouni : cf. ci-dessus).

En ce qui concerne l'influence de l'environnement sur l'architecture, contentons-nous de citer un seul exemple. L'architecture du passé en Iran a été déterminée par la présence ou l'absence de l'un ou de deux des matériaux de construction de base : la brique, la pierre et le bois.

En Susiane (l'actuel Khouzestan), la pierre et le bois font défaut et toutes les constructions de l'antiquité utilisaient la brique crue ou cuite façonnée avec la terre argileuse locale. Encore actuellement d'ailleurs, les villages se confondent dans la couleur du sol environnant.

Pareilles contingences, en théorie, n'existent plus de nos jours du fait de la facilité des communications et de la rapidité des transports. Déjà sous les Achéménides, le réseau routier perfectionné pour l'époque et les moyens hors mesure dont disposaient les Grands Rois permirent d'acheminer, entre autres, du bois de cèdre du Liban à Persépolis.

Ce fut toute l'architecture hypostyle des palais qui s'en trouva améliorée par rapport à son précédent et modèle égyptien : la charpente de bois de la couverture à la place des lin-teaux monolithes diminua grandement le nombre de colonnes nécessaires et créa de la sorte de vastes espaces intérieurs. L'évolution est évidemment plus tangible de nos jours par la réduction des parties portantes à leurs plus petites dimensions (par exemple les colonnes d'acier). En définitive, il n'est pas exagéré d'affirmer que les techniques modernes ont "dénaturé" l'architecture. Nous entendons par là qu'elles l'ont rendue quasi indépendante de l'environnement et des matériaux que le sol local fournit.



RATIONALITE, FONCTIONNALISME ET FORMES TRADITIONNELLES.

Que faut-il prendre, que faut-il laisser de cette architecture du passé ? Une inspiration sans distinction des formes de l'architecture traditionnelle ne trouverait aucune justification. Comme nous l'avons vu, les techniques nouvelles ont modifié les principes de la construction par l'emploi généralisé de l'acier, de l'aluminium, du béton armé, du béton précontraint, ... N'oublions pas le verre dont l'emploi généreux, techniquement impossible par le passé, contribue à la communication des espaces. A ce point de vue, il serait insensé dénier son importance dans le seul but de copier certaines formes de l'architecture nationale.

La conclusion s'impose : il s'agit de ne retenir que les formes de l'architecture traditionnelle qui peuvent être adaptées aux impératifs de la vie moderne et de ses besoins. Cette ligne de conduite se résume dans la nécessité de créer des espaces adéquats et de parvenir à une organisation fonctionnelle objective et rationnelle.

Créer en fonction des besoins humains et à l'échelle humaine, c'est là la tâche essentielle de l'architecture moderne. La tâche n'en sera pas terminée pour autant : le corps ne suffit pas, il lui faut donner une âme. L'approche esthétique personnelle de l'architecte entrera alors en jeu et puisera dans l'héritage de l'architecture du passé les formes typiques, mais aussi rationnelles, qui conféreront à son oeuvre originalité, vie et style.

ARCHITECTURE TRADITIONNELLE EN IRAN



LA MOSQUEE MASJED-E SHAH

C'est de la terrasse du palais d'Ali Qâpu que l'on jouit de la plus belle vue sur la Mosquée Royale, merveille de l'art de la période safavide, qui est un exemple prestigieux de l'architecture somptueuse qui fit alors la gloire d'Ispahan.

Parfaitement intégrée au majestueux ensemble impérial de la Meidân-e Shah, elle fut l'oeuvre de Shah Abbas le Grand (1587-1629), et demeure un vivant tribut à sa mémoire, une oeuvre d'art approchant de la perfection.

Trouvant la Mosquée du Sheikh Lotfollah trop exigüe pour les fastes de sa cour, il conçut le désir de faire bâtir une grandiose mosquée royale, qui rendrait plus parfaite la symétrie de la Place Royale, en faisant pendant, du côté sud, au portail de Qaisarieh élevé sur le côté nord. Etant monté sur le trône quelque vingt-cinq ans plus tôt et ayant dépassé de peu la quarantaine, le Roi craignit de ne pouvoir contempler son chef-d'oeuvre achevé. Aussi ordonna-t-il que la marche des travaux soit des plus rapides. L'on raconte à ce propos l'anecdote suivante.

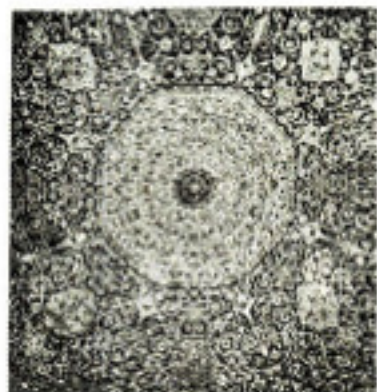
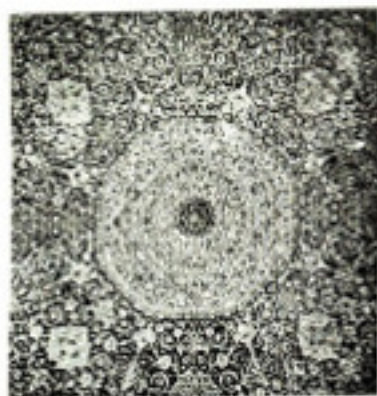
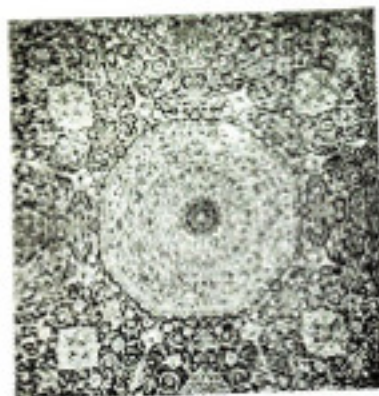
Son architecte, après avoir fait creuser les fondations fit élever les murs. Connaissant les risques qu'encourent les constructions hâtives et la nécessité de permettre à l'édifice de se tasser, il pria le souverain de lui accorder un délai de cinq ans. Le Roi, débordant d'impatience, lui intima l'ordre de poursuivre son ouvrage, le menaçant même de lui faire trancher la tête. En vain; Le consciencieux architecte avait pleinement mesuré le danger de voir, un jour ou l'autre, la mosquée s'écrouler sous le poids de l'immense coupole. De ce fait, s'étant muni d'une chaîne, il mesura la hauteur des murs à l'aide de celle-ci et consigna ses observations par écrit devant témoins. Puis, après avoir caché en lieu sûr chaîne et document, il disparut. Le Roi le fit rechercher, sans résultat. Cinq ans s'écoulèrent et l'architecte réapparut sur le chantier. S'étant fait apporter la chaîne et le document, il pria le souverain de venir constater le bien-fondé de ses craintes. En effet, la construction avait subi un tassement important, les murs s'étant enfoncés dans le sol. Le Roi, convaincu de la sagacité et de l'honnêteté de son architecte, lui pardonna et la mosquée fut alors construite.

Il est à remarquer que déjà dans certaines des premières réalisations du règne de Shah Abbas, les signes d'une hâte excessive sont évidents. C'est, ainsi qu'actuellement, le Pont aux Trente-Trois Arches et la Mosquée de Maqsoud Beg révèlent des fissures et des affaissements plus nombreux que la plupart des monuments seldjoukides du 12^{ème} siècle. D'autre part, la conservation de la Mosquée du Sheikh Lotfollah fut rendue fort difficile aux responsables chargés de cette tâche.

Quoi qu'il en soit, les travaux furent entrepris en l'an 1021 de l'Hégire lunaire, correspondant à 1612 (A.D.) sur l'emplacement d'un ancien caravansérail.

Relevons ce que Eskandar Beg, scribe et historien personnel de Shah Abbas écrit à ce sujet :





" Vers le début de cette année favorablement commencée et heureusement terminée (1021), le Shah triomphant et victorieux, pressé par sa sage prévoyance, prit la grande résolution de construire une mosquée magnifique au bord de la Place Naqsh'é Jahan, à Ispahan, dont on ne pourrait voir l'équivalent, ni dans aucune autre ville iranienne, ni dans aucun point du monde."

Shah Abbas, souhaitant également économiser du temps et de l'argent, conçut l'idée de prélever les matériaux de sa mosquée en retirant des marbres de Yazd à la mosquée du Vendredi. Fort heureusement, les mollâhs parvinrent à l'en dissuader en le persuadant que, s'il agissait ainsi, sa propre mosquée risquait d'être également, un jour, profanée de la même façon.

Eskandar Beg ajoute à ce sujet :

" Ce fut une de ces coïncidences étranges, comme il en arrive rarement, qu'à ce moment même, on découvrit dans le voisinage d'Ispahan, une carrière de marbre dont personne jusque là n'avait soupçonné l'existence. Ce marbre se trouvait à cet endroit, dérobé aux yeux de ses Créatures par la volonté du Dieu Tout-Puissant, de sorte qu'il pourrait être plus tard utilisé éternellement pour embellir cette noble mosquée. Et ce fut en raison de la très bonne fortune et des desseins élevés de ce Souverain Victorieux que la mine fut découverte à ce moment précis. On peut donc supposer que ce fut un signe clair et un symbole manifeste de la bonne intention et de la foi pieuse du fondateur de la mosquée et aussi de l'inestimable valeur de cet édifice aux Yeux du Créateur, que des plaques de marbre, d'une longueur et d'une largeur telles qu'on ne peut en trouver l'équivalent nulle part ailleurs dans le monde, puissent être destinées à la décoration de ce second Beit-ol-Mamoor."

Commencé en 1612 de notre ère, le grand portail ne fut achevé et décoré que quatre ans plus tard. Ainsi, le Roi ordonna de hâter les travaux, et l'on utilisa, dans les autres parties de l'édifice, au lieu des délicates mosaïques de faïence, des carreaux de kâshis, de fabrication plus rapide et plus simple. L'utilisation de ces carreaux de faïence "haft-rangi", c'est-à-dire à sept couleurs, représenta donc une innovation importante en ne nécessitant pas de main-d'œuvre qualifiée, mais laissa quelque peu à désirer. Le carrelage timouride et protosafavide avait consisté en véritable mosaïque de faïence. Les pièces de terre cuite, émaillées et monochromes, étaient patiemment assorties et taillées fort précisément pour combler l'espace qui était dévolu à chacune d'elles. Ces mosaïques étaient, à l'origine, travaillées avec art et amour, et leurs motifs s'inspiraient des dessins de tapis, représentant le plus souvent un jardin persan stylisé, parsemé de mille fleurs. Le carreau "haft-rangi" était en général de forme carrée, et présentait l'avantage de combiner un certain nombre de couleurs en une cuisson unique. S'il convenait parfaitement au revêtement d'un mur, puisqu'étant de fabrication plus aisée et moins



onéreuse ainsi que d'une pose plus facile, il lui manquait cependant l'éclat de la mosaïque travaillée.

Le portail d'entrée de la Mosquée Royale est d'une richesse prestigieuse et d'un aspect grandiose, complétant harmonieusement le somptueux décor de la place. Cette oeuvre, bien que des plus chargées, est cependant l'une des plus heureuses de l'art safavide. Au-dessus de l'entrée, court une frise commémorative portant la date d'achèvement du portail ainsi que l'inscription en caractères tulth, sur fond de mosaïque bleue, libellée comme suit :

" Un décret a ordonné la construction de cette mosquée publique, avec les fonds personnels du Souverain dont les ancêtres furent les plus nobles monarques de ce pays, et qui se dévouèrent le plus pour leur peuple et dont le rang et la dignité étaient les plus élevés parmi les rois, leur raison et leur intelligence plus fermes, leur justice et leur bienveillance plus étendues...